

ریشه‌های فساد اداری در سازمان‌های دولتی ایران

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۰۳

مینا علوی *

ابوالحسن فقیهی **

مرتضی موسی‌خانی ***

رضا نجف‌بیگی ****

چکیده

فساد اداری از سال‌ها پیش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کشور مطرح بوده و امروز به یکی از بحران‌های ملی تبدیل شده که در صورت تداوم به سلب اعتماد عمومی منجر می‌شود. هدف این پژوهش پاسخ به این سؤال است: «ریشه‌های فساد اداری در سازمان‌های دولتی ایران کدامند؟». وجه تمایز این پژوهش با مطالعاتی که پیش از این در زمینه فساد انجام شده، توجه به متغیرهای زمینه‌ای و هستی‌شناسانه‌ی ایجاد فساد اداری در ادبیات فساد سازمان‌های بخش دولتی و بررسی آن‌ها در یک الگوی جامع و منسجم است. در آغاز، با استفاده از روش فراتحلیل یک‌صد مقاله معتبر خارجی را مرور کردیم. سپس، از خبرگان موضوعی نظرجویی بعمل آمد و در نهایت، با استفاده از روش کمی رگرسیون در صدد شناسایی ریشه‌های فساد اداری ایران طی یک دوره شانزده ساله برآمدیم. یافته‌های پژوهش نشان داد برقراری دموکراسی و بهبود کیفیت بوروکراسی، فساد را در بازه زمانی مطالعه کاهش داده، ولی کاهش اندازه دولت، کاهش درآمدهای نفتی و افزایش حاکمیت قانون و افزایش توسعه انسانی، در طی این مدت، بر کاهش فساد اداری مؤثر نبوده است. در پایان بر مبنای یافته‌های پژوهش پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: فساد اداری، اندازه دولت، درآمدهای نفتی، دموکراسی، کیفیت بوروکراسی، حاکمیت قانون، توسعه انسانی

* دانش آموخته رشته مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
** استاد گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
a.faghihi@srbiau.ac.ir

*** استاد گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

**** استاد گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

مقدمه

فساد یک مشکل جهانی است، گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی^۱ در زمینه فساد کشورها در سال ۲۰۱۶ میلادی نشان می‌دهد که تقریباً دو سوم از ۱۷۶ کشور جهان از نظر شاخص فساد اداری در جایگاهی پایین‌تر از نقطه میانی شاخص‌های جهانی که بین صفر تا ۱۰۰ تعیین شده است، قرار دارند (سازمان شفافیت بین‌المللی، ۲۰۱۶). نظام اداری ما نیز مدت‌هاست که از بیماری «فساد اداری» رنج می‌برد (زاهدی، ۱۳۸۸). نتایج شاخص‌های اندازه‌گیری بین‌المللی میزان فساد در ایران، نشان می‌دهد که کشور در جایگاه مناسبی قرار ندارد (سازمان شفافیت بین‌المللی، ۲۰۱۶). «گزارش‌های آماري و پژوهش‌های انجام شده در مورد میزان فساد اداری ایران» نشان می‌دهد با وجود «تأکید اسناد فرادستی و الزامات قانونی کشور^۲»، همچنان اجرای برنامه سلامت اداری با چالش‌های جدی روبرو است (عابدی جعفری، ۸۹ و ۹۰). فساد اداری از طریق هدایت ناصواب استعدادها و منابع بالقوه و بالفعل انسانی به سمت فعالیت‌های نادرست، زمینه رکود در تمام ابعاد را فراهم می‌کند؛ بنابراین مقابله با فساد در عرصه اداری ضرورتی جدی و انکارناپذیر است (عباس زادگان، ۱۳۸۳). به عبارتی فساد از عوامل اصلی بازماندن سازمان‌ها و نهادها از دستیابی به اهداف و از موانع اساسی رشد سازمان به شمار می‌آید (فریش^۳، ۱۹۹۴؛ پیلاي^۴، ۲۰۰۴). در حقیقت فساد اداری مانند عفونتی است که اگر به پیکر سازمان راه یابد، اعضای آن را یکی پس از دیگری عفونی کرده و از کار می‌اندازد و چه بسا گسترش این عفونت پیکره‌ی جامعه را فاسد کند (هریسون^۵، ۲۰۰۳).

مطالعات انجام شده در ایران بدون آنکه به «چیستی» فساد اداری بپردازد، به «چگونگی» وقوع فساد اداری در قالب عوامل مؤثر در بروز آن پرداخته‌اند، همچنین «چرایی» ایجاد آن به صورت نظری امری است که در تحقیقات پیشین مغفول مانده است. از این‌رو این پژوهش درصدد است «هستی‌شناسی» فساد اداری در ایران را با تأکید بر فهم ریشه‌های فساد، در قالب یک الگوی نظری مورد مطالعه قرار دهد تا پایه‌ای نظری برای مطالعات بنیادی و کاربردی در این حوزه فراهم آید. سهم این پژوهش با روی‌آوری هستی‌شناسانه می‌تواند شیوه‌نویی در علوم انسانی به موضوعات و مسائل به شمار آید. نگاه عام این پژوهش مدعی است می‌تواند برای تحقیقات آتی الگویی را

فراهم آورد تا بررسی نظام مند فساد در دستگاه‌های اجرایی ممکن شود. وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر مطالعاتی که تاکنون در این زمینه انجام شده، توجه به متغیرهای زمینه‌ای ایجاد فساد اداری در ادبیات فساد سازمان‌های بخش دولتی و بررسی آن‌ها در یک الگوی جامع و منسجم است. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش این است که «ریشه‌های فساد اداری در سازمان‌های دولتی ایران کدام است؟» این پرسش بارها توسط اندیشمندان متعددی مورد مطالعه قرار گرفته است، اگر هر یک از این تلاش‌ها بخشی از یک پازل در نظر گرفته شوند، مقصود این پژوهش ترسیم تصویر کلی است که از کنار هم قرار گرفتن این قطعات شکل می‌گیرد. بنابراین این پژوهش با بهره‌گیری از مرور سیستماتیک ۱۰۰ مقاله ISI در حوزه دلایل فساد اداری کشورهای در حال توسعه، نظرجویی از جامعه خبرگان موضوعی و روش کمی رگرسیون در صدد شناسایی ریشه‌های فساد اداری در کشور ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ برآمد.

ادبیات

«فساد اداری» مفهوم محوری پژوهش پیش روست. کورر^۷ (۲۰۰۵)، اذعان می‌کند هر پژوهشی که درباره‌ی فساد انجام می‌گیرد، به شدت تحت تأثیر چگونگی تعریف فساد قرار دارد. در واقع نوع درک یا برداشتی که درباره‌ی مفهوم یا پدیده‌ی فساد وجود دارد در ماهیت تحلیل بسیار مؤثر است. این پدیده را نمی‌توان به راحتی توضیح داد اما درک آن بر اساس زمینه ظهورش، بسته به رشته و سازوکارهایی که برای توضیح آن به کار می‌رود، میسر است. موضوع چندوجهی، چندسطحی و چندعاملی «فساد اداری» توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه مطالعات فساد را به خود جلب کرده است و به واسطه آن بدنه‌ی دانش و ادبیات پژوهشی گسترده‌ای در سطوح مختلف تولید شده است. مطالعات مربوط به سطوح خرد^۸، میانی^۹ و کلان^{۱۰} از جمله «فساد ادراک شده^{۱۱}» و «روان‌شناسی اجتماعی فساد^{۱۲}» بخش قابل توجهی از این بدنه‌ی دانش انباشته شده را تشکیل می‌دهد (دو گراف^{۱۳} و دیگران، ۱۳۹۴). ابهام در تعریف مفهوم فساد از این نکته ناشی می‌شود که شیوه‌های موازی برای فهم آن وجود دارد. طبیعتاً هرکدام از تعاریف صورت گرفته در مورد فساد، بر یکی از جنبه‌های این پدیده متمرکز شده‌اند. افق گسترده‌ای در حوزه‌ی فساد وجود دارد و پژوهشگران توجه ما را به بافت‌مندی فساد و تعاریف مختلف آن جلب

می‌کنند. ابعاد مشترک در تعریف فساد اداری شامل «نقض اصول اخلاقی»، «سوءاستفاده از قدرت»، و «پنهان‌کاری» می‌شود. در بعد «نقض اصول اخلاقی»، فساد رفتاری غیراخلاقی است که شامل نقض، تخطی یا انحراف از هنجارهای قانونی یا ارزش‌های اخلاقی می‌شود (هایدنهاایمر^{۱۴}، ۱۹۷۰)؛ در بعد مشترک دیگر تعاریف، یعنی «سوءاستفاده از قدرت»، کسانی که کارهای فاسد انجام می‌دهند، قدرت، اختیار، موقعیت یا دانشی که به آن‌ها سپرده شده را برای کسب منافع شخصی خود یا افراد خاصی به کار می‌گیرند (آشفورث و آناند^{۱۵}، ۲۰۰۳؛ خان^{۱۶}، ۱۹۹۶؛ نای^{۱۷}، ۱۹۶۷؛ پیت و آبرات^{۱۸}، ۱۹۸۶، تانزی^{۱۹}، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۸؛ تریسمن^{۲۰}، ۲۰۰۰، دوااین^{۲۱}، ۲۰۰۱). «پنهان‌کاری»، بعد مشترک دیگر در میان تعاریف است. انجام دهندگان کارهای فاسد یا بدون اطلاع شخص خاص مسئول، نسبت به انجام عمل مجرمانه خود اقدام می‌کنند یا یک اجتماع مخفی، صمیمی و نزدیک را تشکیل می‌دهند که به صورت مخفی بر اهداف غیرقانونی و سود روابط تعاملی‌شان توافق دارند (هانتینگتون^{۲۲}، ۱۹۸۹). رابل و کولمن^{۲۳} با ترکیب ابعاد مشترک فساد اداری، بیان می‌کنند: «فساد اداری رفتار منحرفی است که خود را در سوءاستفاده از وظیفه‌ای در سیستم سازمان و جامعه به نفع فردی دیگر یا نهاد و مؤسسه‌ای نشان می‌دهد. این سوءاستفاده از وظیفه توسط خود فرد یا افراد دیگر آغاز می‌شود تا به منفعتی برای خود یا طرف سوم منتهی شود. در نتیجه آسیب یا ضرری به سیستم و جامعه وارد می‌شود و انتظار می‌رود اعمال فاسد به صورت توافقی مخفی و دوطرفه، محفوظ بماند» (رابل و کولمن، ۲۰۰۸).

فساد اداری در قانون «ارتقای سلامت نظام اداری» ایران، «هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیرقانونی، جعل، تخریب یا اختفاء اسناد و سوابق اداری و مالی.» گستره‌ی تعریف فساد اداری در متن قانون وسیع است، اما به دلیل محدودیت در جمع‌آوری

داده‌های مربوط به تعاریف محدودتر و درعین حال دقیق‌تر، این پژوهش از برآیند تعاریف فساد اداری توسط سازمان شفافیت بین‌المللی و بانک جهانی بهره می‌گیرد: «فساد رفتار غیراخلاقی مقامات بخش عمومی با سوءاستفاده از قدرت سپرده شده برای به دست آوردن نفع شخصی فرد یا افراد مرتبط بر خلاف منفعت عمومی است.»^{۲۴}

یکی از عواملی که در ایجاد فساد نقش مؤثری دارد «اندازه دولت»^{۲۴} است، اما علیت و جهت ارتباط ممکن است دوسویه باشد. در میان نویسندگان هیچ‌گونه توافقی در مورد رابطه نظری اندازه دولت و فساد وجود ندارد. اگر بخواهیم به طور دقیق‌تر این موضوع را شرح دهیم، می‌توان گفت دو فرضیه در مورد اندازه دولت و فساد وجود دارد. نخست، اندازه بزرگ‌تر دولت، سیستم نظارت و توازن و پاسخگویی را تقویت می‌کند که در نتیجه، شاهد کاهش فساد خواهیم بود. چرا که اگر دولت‌ها سرانه پایینی از خدمات دولتی ارائه کنند، تقاضاکنندگان خدمات عمومی وسوسه خواهند شد به مسئولان بخش عمومی رشوه دهند تا سهمیه بیشتری از خدمات عمومی را تصاحب کنند. به عبارت دیگر بخش دولتی کوچک‌تر ممکن است فرصت‌هایی برای فساد ایجاد کند و احتمال وقوع رفتار فاسد را افزایش دهد. در کشورهای حوزه اسکاندیناوی اندازه دولت بیشتر از سایر کشورهای توسعه یافته است، اما کمترین فساد را دارند. درباره «هزینه‌های دولت» نیز، مطالعات تجربی اروت و همکاران^{۲۵} (۲۰۱۰)؛ چانگ و گلدن^{۲۶} (۲۰۰۴)؛ فیشمن و گاتی^{۲۷} (۲۰۰۲)؛ بناگلیا و همکاران^{۲۸} (۲۰۰۱) و لاپورتا و همکاران^{۲۹} (۱۹۹۹) نشان می‌دهد با افزایش هزینه‌های دولت، و بزرگ‌تر شدن اندازه آن از میزان فساد کاسته می‌شود. بر خلاف فرضیه قبل، افزایش در اندازه دولت، فرصت‌های بیشتری برای رانت‌جویی فراهم می‌کند که سیاستمداران و بوروکرات‌ها را به فساد بیشتری هدایت می‌کند (رزاکرمین و پالیفکا^{۳۰}، ۲۰۱۶؛ کاترا و دیگران^{۳۱}، ۲۰۱۲؛ گول و نلسون^{۳۲}، ۲۰۱۰؛ رزاکرمین، ۲۰۰۸، ۲۰۰۵؛ لدرمن و دیگران^{۳۳}، ۲۰۰۵، الت و لسن^{۳۴}، ۲۰۰۳؛ الی و اسس^{۳۵}، ۲۰۰۲؛ مائورا^{۳۶}، ۱۹۹۸). مرور ادبیات در جوامع در حال توسعه دومین ادعا را تأیید می‌کند و حاکی از آن است که کاهش فساد با کاستن از حجم دولت اتفاق می‌افتد.

فرضیه اول: فساد اداری در ایران با کوچک‌تر شدن اندازه دولت، کمتر می‌شود.

مطالعات گنل و کارهانن^{۳۷} (۲۰۱۱)، برونشویپر^{۳۸} (۲۰۰۸)، برونشویپر و بولته^{۳۹} (۲۰۰۸)، الکسیف و کانراد^{۴۰} (۲۰۰۹) این ایده که فراوانی منابع طبیعی کیفیت حکمرانی را تضعیف کرده و سبب فساد می‌شود را به چالش کشیده‌اند و تأثیر درآمد حاصل از منابع طبیعی بر فساد را با تردید مواجه می‌کنند. سرا^{۴۱} (۲۰۰۶) هیچ‌گونه شواهدی از ارتباط میان صادرات منابع طبیعی و فساد نیافته است؛ اما در مقابل در طول چندین دهه «درآمدهای عظیم نفتی» را متغیری اصلی در بررسی فساد کشورهای نفت‌خیز دانسته‌اند. در هر کشوری که بخش اصلی درآمدهای دولت و تولید ناخالص داخلی از محل درآمدهای نفتی تأمین می‌شود، بدون تردید، ثروت نفت متغیری اساسی در تحلیل فساد، ساختار، تحولات و موقعیت کشور به حساب می‌آید. هنگامی که نفت منبع اصلی ثروت دولت باشد، این درآمد چارچوب تصمیم‌گیری را تغییر می‌دهد. نه فقط بر محیط سیاست‌گذاری واقعی مقامات رسمی تأثیر می‌گذارد، بلکه جنبه‌های اساسی دیگر دولت از قبیل، استقلال در شکل‌گیری اهداف، نوع نهادهای سیاسی اقتباس شده، دورنمای ایجاد قابلیت‌های درآمدزایی و جایگاه اقتدار را نیز متأثر می‌سازد (کارل، ۱۳۸۸). در نظریه دولت رانتیر اتکا به درآمدهای حاصل از رانت، عامل زیربنایی و تعیین‌کننده سرشت دولت و بی‌نیازی آن از مردم و جامعه دانسته می‌شود. هواداران این نظریه اعتقاد دارند که پویای‌های سیاسی در دولت‌های مالیات‌گیرنده و دولت‌های نفتی متفاوت است. دیوان‌سالاری دولت‌های نفتی، غیر عقلایی و فلسفه وجودی آن، اصل دریافت نکردن مالیات در برابر وجود نداشتن نمایندگی است. بی‌نیازی اقتصادی و درآمدی دولت از جامعه، سرشت غیردموکراتیک رژیم‌های رانتیر است (لوسیانی، ۱۳۷۴). نفت در حکمرانی عامل بسیار مهمی به حساب می‌آید. چراکه نقش مهمی در افزایش فساد و عملکرد ضعیف حکمرانی بازی می‌کند (راس^{۴۲}، ۲۰۰۸). دلارهای نفتی اثرات سوء بر کیفیت دولت و مؤسسات در بسیاری از کشورهای تولیدکننده دارد. درآمد حاصل از نفت ممکن است در راه تحکیم حکومت‌های خودکامه و دیکتاتوری که نسبت به مردم پاسخگو نیستند، به کار گرفته شود. جریان درآمد حاصل از نفت، فرصت بیشتری را برای فساد و سوء مدیریت بودجه ایجاد می‌کند. کشورهای دارای منابع طبیعی اغلب از نظر دولت، جامعه و اقتصاد در مقایسه با کشورهایی که چنین ثروتی ندارند، ضعیف‌ترند. منابع طبیعی می‌توانند سطح زندگی مردم یک کشور را بهبود

بخشند، اما این مهم در درجه نخست محدود به این است که حکمرانی خوب وجود داشته باشد (ساترلند^{۴۳}، ۲۰۱۲). یکی از اصلی‌ترین توجیحات منطقی انحراف نقش کارکردی دولت در کشورهای رانتیر این است که دولت درآمد هنگفتی را بدون زحمت دریافت می‌کند و به نحوی باید آن را هزینه نماید. نفت و درآمدهای هنگفت ناشی از صادرات آن با ایجاد انحراف در وظایف دولت موجبات تضعیف بازار و بخش تولید را فراهم می‌کند (نجفی، ۱۳۸۳). به‌بیان‌دیگر اتکا بر درآمدهای نفتی، کشورهای صادرکننده نفت را به دولت‌های ثروتمند تبدیل کرده و آن‌ها را از رشد اقتصادی بی‌نیاز می‌کند. ضمن اینکه مهدوی (۱۹۷۰)، فضلی نژاد و همکار (۱۳۸۹) با ارزیابی درآمد نفت، ایران را مصداق بارز دولت رانتیر معرفی کرده‌اند، جمع‌بندی ادبیات کشورهای درحال توسعه نشان می‌دهد، رانتیر بودن، افزایش فساد این جوامع را به دنبال خواهد داشت، هر چه درآمد حاصل از رانت بیشتر شود، فساد نیز رشد خواهد کرد. به‌عبارت‌دیگر هر زمان با کاهش درآمدهای حاصل از رانت مواجه شویم، با روی آوردن به تولید و اصلاح ساختار اقتصادی، فساد کمتر می‌شود.

فرضیه دوم: فساد اداری در ایران با کاهش درآمدهای نفتی دولت کمتر می‌شود.

اگرچه رابطه فساد با عوامل مختلفی مانند آزادی مدنی، آزادی سیاسی، حقوق سیاسی، طول عمر رژیم دموکراتیک و نظایر آن بررسی شده، لیکن در این موضوع که «دموکراسی» فساد را کاهش می‌دهد، اتفاق نظر وجود دارد. این نتیجه‌گیری در صورتی تأیید می‌شود که فساد مرتبط با سایر متغیرهای مربوط به دموکراسی، مانند «آزادی رسانه» باشد. این متغیر به طور قابل توجهی با فساد مرتبط است (برونتی و ودر^{۴۴}، ۲۰۰۳)؛ اما جتر و همکاران^{۴۵} (۲۰۱۵) بیان می‌کنند رابطه‌ی آزادی رسانه و دموکراسی از نظر آماری معنادار نیست. دلیل اصلی اینکه آزادی سیاسی به کاهش فساد منجر می‌شود، این است که آزادی سیاسی، شفافیت را تحمیل می‌کند و در سیستم سیاسی کنترل و توازن ایجاد می‌شود. مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی، و محدود کردن مدیران اجرایی، توانایی افراد جامعه را برای نظارت و اعمال محدودیت قانونی بر سیاستمداران و بوروکرات‌ها افزایش می‌دهد (کونیکوا^{۴۶} و رزاکرم، ۲۰۰۵). علاوه بر این، غالباً سیستم‌های دموکراتیک از لحاظ سیاسی پایدار هستند؛ بنابراین تعجب‌آور نیست که

نویسندگانی چون لدرمن و همکاران (۲۰۰۵)، پارک^{۴۷} (۲۰۰۳) و لیت و ویدمن^{۴۸} (۱۹۹۷) دریافتند که فساد در سیاست‌های ناپایدار افزایش می‌یابد. بنابراین درعین حال که عده‌ای بیان می‌کنند با افزایش دموکراسی، فساد کاهش می‌یابد، پژوهشگران دیگری معتقدند در مراحل ابتدایی دموکراسی، فساد افزایش می‌یابد و در ادامه با تثبیت فرآیند دموکراسی، فساد کاهش خواهد یافت (جتر و همکاران، ۲۰۱۵). در این راستا کالن‌بورن و لِسمن (۲۰۱۳) می‌گویند: «اصلاحات دموکراتیک در صورتی در کاهش فساد مؤثر است که نظارت بر سیاستمداران نیز تقویت شود.»

فرضیه سوم: فساد اداری با برقراری دموکراسی بیشتر (آزادی بیان بیشتر، آزادی احزاب، و برگزاری انتخابات سالم‌تر)، کمتر می‌شود.

نبود «کیفیت بوروکراسی» در ایجاد و گسترش فساد نقش مهمی دارد. گروگر و شاه (۲۰۰۵)؛ برونٹی و ودر (۲۰۰۳) و ریجکگم و ودر (۱۹۹۷) بیان می‌دارند هرچه کیفیت بوروکراسی بالاتر رود، از احتمال وقوع فساد کاسته می‌شود. در این راستا، میزان «دستمزد کارمندان دولتی» ممکن است مهم باشد، زیرا ون ریجکگم و ودر^{۴۹} (۲۰۰۱) استدلال می‌کنند دستمزد بخش دولتی با کیفیت بوروکراسی همبستگی قوی دارد، و در نتیجه ممکن است منجر به فساد شود. در اقتصادهای در حال توسعه، بوروکرات‌ها دستمزدهایی دریافت می‌کنند که موجبات تحریک رفتارهای فسادآلود را در آن‌ها فراهم می‌کند. درعین حال، اقتصادهای کم‌درآمد از نبود مؤسسات برای شناسایی فساد نیز آسیب می‌بینند. هرسفلد و ویس^{۵۰} (۲۰۰۳) با سنجش نسبت دستمزد به تولید ناخالص داخلی، نشان می‌دهند که افزایش دستمزد به‌طور قابل توجهی فساد را کاهش می‌دهد. به‌طور مشابه ون ریجکگم و ودر (۱۹۹۷، ۲۰۰۱) ادعا می‌کنند که افزایش دستمزدهای دولت به نسبت دستمزدهای بخش خصوصی، فساد را به‌طور قابل توجهی کاهش می‌دهد. اثر دستمزد بر فساد توسط الت و لسن (۲۰۰۳) و راج و ایوان^{۵۱} (۲۰۰۰) برجسته شده است. با این حال، مطالعات دیگر نشان می‌دهد که این رابطه همیشه از لحاظ آماری معنی‌دار نیست (گروگر و شاه^{۵۲}، ۲۰۰۵؛ تریسمن، ۲۰۰۰). علاوه بر دستمزد، نبود «دولت الکترونیک» (میستری و جلال^{۵۳}، ۲۰۱۲؛ برتوت و دیگران^{۵۴}، ۲۰۱۰؛ کیم و دیگران^{۵۵}، ۲۰۰۹؛ شیم و اوم^{۵۶}، ۲۰۰۸؛ ندو^{۵۷}، ۲۰۰۴)، نبود «استخدام و

ارتقا بر اساس شایستگی» و نبود «آموزش حرفه‌ای» در بوروکراسی نیز فساد را افزایش می‌دهد (راچ و ایوان، ۱۹۹۷).

فرضیه چهارم: فساد اداری در ایران با بهبود کیفیت بوروکراسی کمتر می‌شود.

مطالعات دیگری نشان می‌دهد که «حاکمیت قانون»، متشکل از سنج‌های مختلف در تبیین فساد است. دمانیا و همکاران^{۵۸} (۲۰۰۴) از شاخص کافمن و همکاران^{۵۹} (۱۹۹۹) در حاکمیت قانون استفاده می‌کنند که شامل چندین مؤلفه برای سنجش میزان رعایت عوامل اقتصادی بر اساس قوانین جامعه، ادراکات اثربخش و قابلیت پیش بینی قضایی و قابلیت اجرای قراردادها است. گروهی از نویسندگان (برونتی و ودر، ۲۰۰۳؛ هرسفلد و وایس، ۲۰۰۳؛ پارک، ۲۰۰۳؛ علی و اسس، ۲۰۰۲؛ ون ریجکگم و ودر، ۲۰۰۱؛ برودمن^{۶۰} و همکار، ۲۰۰۰؛ ادس و دیلتا، ۱۹۹۹؛ لیت و ویدمن، ۱۹۹۹) از شاخص ICRG استفاده می‌کنند. این شاخص درجه‌ای را که شهروندان هر کشوری تمایل به ایجاد مؤسساتی برای ایجاد و اجرای قوانین و احقاق حقوق خود دارند را اندازه می‌گیرد. این شاخص همچنین کشورهای دارای نهادهای سیاسی سالم، دادگاه‌های قوی و سلسله‌مراتب مشخص قدرت را اندازه‌گیری می‌کند. همچنین شاخص بنیاد برتلزمن^{۶۱} در سنجش میزان حاکمیت قانون سه مفهوم «تفکیک قوا»، «قوه قضاییه مستقل» و «حقوق شهروندی» را اندازه می‌گیرد. التزام به حقوق شهروندان در چهارچوب قانون (گلداسمیت^{۶۲}، ۱۹۹۹)، حفظ استقلال قضایی و تفکیک قوا (ازفر و نلسون^{۶۳}، ۲۰۰۷؛ لافنت^{۶۴}، ۲۰۰۱؛ پرلمان، ۲۰۰۰؛ کرولی^{۶۵}، ۱۹۹۵) می‌توانند موجبات کاهش فساد را فراهم کنند. همه این نویسندگان ادعا می‌کنند که یک قاعده قوی قانون، فوریت وقوع فساد را به‌طور قابل توجهی کاهش می‌دهد. در مقابل مطالعات اندکی؛ پرلمان^{۶۶} (۲۰۰۰) و بانفیلد^{۶۷} (۱۹۸۵) ادعا می‌کنند که حاکمیت قانون می‌تواند ابزاری مناسب برای فساد باشد.

فرضیه پنجم: فساد اداری در ایران با افزایش حاکمیت قانون کمتر می‌شود.

در نهایت، به نتایج مطالعات در مورد عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با فساد شامل آموزش و درآمد ملی اشاره می‌شود. اقتصادهایی با سرمایه انسانی بالاتر و سطوح بالاتری از آموزش با سطح پایین‌تری از فساد روبرو هستند (اورنسل^{۶۸}، ۲۰۱۰؛ علی و اسس،

۲۰۰۳؛ برون‌تی و ودر، ۲۰۰۳؛ ون ریجکگم و ودر، ۱۹۹۷). باین‌حال فرچته^{۶۹} (۲۰۰۱) با استفاده از مدل‌های داده‌های ترکیبی اذعان داشت «آموزش» در تمام رگرسیون‌هایی که به تبیین فساد می‌پردازند، سبب افزایش فساد می‌شود. همچنین ایچر و همکاران^{۷۰} (۲۰۰۹)، ارتباط میان سطوح آموزش و سطوح فساد را بر روی یک طیف قرار داده و نشان می‌دهد آموزش بیشتر رانت را افزایش می‌دهد اما سطحی از آن احتمال شناخت رأی‌دهندگان از رفتار فاسد را افزایش می‌دهد.

«درآمد ملی» یکی از رایج‌ترین متغیرهایی است که برای تبیین فساد در نظر گرفته می‌شود (یلماز و آرواس^{۷۱}، ۲۰۱۱؛ اورنسل، ۲۰۱۰؛ دمانیا و همکاران، ۲۰۰۴؛ پرسون و همکاران^{۷۲}، ۲۰۰۳؛ وان ریجکگم و ودر، ۱۹۹۷) یعنی «سرانه تولید ناخالص ملی^{۷۳}» شاخص درآمدی است که به‌منزله میزان پیشرفت در توسعه اقتصادی و به‌عنوان نشانگر استاندارد زندگی به‌کار می‌رود. به‌طور کلی می‌توان گفت ثروت کشور به طرز معنی‌داری فساد را کاهش می‌دهد؛ زیرا زمانی که درآمد سرانه افزایش می‌یابد رانت جویی کاهش خواهد یافت و همچنین با افزایش درآمد، منابع و امکانات بیشتری برای مبارزه با فساد اختصاص داده خواهد شد. لیکن کافمن و همکاران (۱۹۹۹)؛ و هال و جونز^{۷۴} (۱۹۹۹) رابطه علی میان فساد و درآمد را مورد سؤال قرار می‌دهند تا آنجا که دو مطالعه با داده‌های ترکیبی (بران و دیتلا، ۲۰۰۴؛ فرچته، ۲۰۰۱) از این نتیجه مهم عدول می‌کنند و یافته‌های این تحقیقات نشان می‌دهد درآمد بیشتر، فساد را افزایش می‌دهد. در توضیح می‌توان گفت در کشورهای در حال توسعه نیاز به کالاها بیشتر از نیاز به خدمات است و جامعه نیاز به مصرف بیشتر کالاها دارد. بخش خدمات در این کشورها به این دلیل گسترش می‌یابد که از طریق انجام خدمات مشاوره‌ای و پیمانکاری بتواند سهمی از رانت‌های دولتی را تصاحب کند. لذا با افزایش «نسبت ارزش افزوده بخش خدمات به تولید ناخالص داخلی»، فساد نیز افزایش پیدا خواهد کرد. آیدت^{۷۵} (۲۰۱۰) نیز، با استفاده از داده‌های ۱۱۰ کشور در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۷ بیان می‌کند بر خلاف شواهدی که مؤید کاهش فساد با افزایش تولید ناخالص داخلی هستند، همبستگی منفی قوی میان طیف وسیعی از شاخص‌های فساد و سرانه رشد اقتصادی وجود دارد و این یافته نشان می‌دهد که فساد می‌تواند اقتصاد را در مسیر ناپایداری که سرمایه‌های اقتصادی در حال فرسایش است، قرار دهد. شاو و همکاران^{۷۶} (۲۰۰۷)، هم

رابطه منفی میان فساد و رشد اقتصادی بلندمدت را تأیید می‌کنند. «توزیع درآمد» نیز بر روی فساد اثر می‌گذارد. همان‌طور که پالدم^{۷۷} (۲۰۰۲)، بیان می‌کند «توزیع درآمد ناگهانی ممکن است وسوسه را برای کسب سود غیرقانونی افزایش دهد». او ادعا می‌کند «اختلاف درآمد» به‌طور قابل توجهی فساد را افزایش می‌دهد. این گفته را یلماز و آرواس (۲۰۱۱) نیز تأیید می‌کنند. باین‌حال، پارک (۲۰۰۳)، در دو دهک اول درآمدی، رابطه معناداری میان توزیع درآمد و فساد پیدا نمی‌کند. به همین ترتیب، براون و همکاران^{۷۸} (۲۰۰۵) شواهدی پیدا نمی‌کنند که اختلاف درآمد، فساد را افزایش دهد. در جدول ۱ به وجوه اشتراک و افتراق نظرات اندیشمندان در مورد اثر مثبت یا منفی هر متغیر بر روی فساد اداری اشاره شده است.

فرضیه ششم: فساد اداری در ایران با بهبود شاخص‌های توسعه انسانی (جمعیت تحصیل کرده بیشتر، سرانه درآمد ناخالص ملی بیشتر، امید بیشتر به زندگی) کمتر می‌شود.

جدول ۱- متغیرهای مرتبط با فساد اداری

متغیر	فساد بیشتر	فساد کمتر
متغیر اقتصادی		
اندازه دولت	Rose-Ackerman & Palifka (2016). Kotera, et al. (2012), Goel & Nelson (2010), (1998) Rose-Ackerman (2008), (2005), Lederman et al. (2005), Alt & Lassen (2003), Ali & Isse (2002), Mauro (1998).	Arvate et al. (2010), Chang & Golden (2004), Fisman & Gatti (2002), Bonaglia et al. (2001), La Porta et al. (1999)
درآمدهای نفتی	Mahdavi (2014), Andersen & Aslaksen (2013), Arezki & Gylfson (2011), Arezki & Brückner (2011), Bhattacharyya & Hodler.(2010), Vicente (2010), Barbier (2010), (2003), Ross (2008), Hamilton & Giovanni(2006), Smith (2004), Leite & Weideman (1999), Karl (1997)	Goel & Korhonen (2011), Alexeev & Conrad (2009), Brunnschweiler (2008), Brunnschweiler & Bulte (2008), Karl (1997)

فساد کمتر	فساد بیشتر	متغیر
متغیر سیاسی		
Kotera et al. (2012), Kunicova & R.Ackerman (2005), Lederman et al. (2005), Gurgur & Shah (2005), Braun & Di Tella (2004), Chang & Golden (2004), Damania et al. (2004), Brunetti & Weder (2003) Herzfeld & Weiss (2003), Knack & Azfar (2003), Broadman & Recanatini (2002-00), Paldam (2002), Bonaglia et al. (2001), Frechette (2001), Swamy et al. (2001), Treisman (2000), Wei (2000), Ades & Di Tella (1999-97), Leite & Weidmann (1999), Goldsmith (1999), van Rijckeghem & Weder (1997)	Jetter et al. (2015) Kalenborn & Lessmann (2013).	دموکراسی
متغیر بوروکراتیک		
Gurgur & Shah (2005), Brunetti & Weder (2003), van Rijckeghem & Weder (2001), (1997), Rauch & Evan (2000) Mauro (1998)	Gurgur & Shah (2005) Treisman (2000),	کیفیت بوروکراسی
متغیر قانونی		
Damania et al. (2004), Ali & Isse (2002), Brunetti & Weder (2003), Herzfeld & Weiss (2003), Park (2003), Broadman & Recanatini (2000), Leite & Weidmann (1999), Ades & Di Tella (1997)	Prillaman (2000), Banfield (1985)	حاکمیت قانون

متغیر	فساد بیشتر	فساد کمتر
متغیر اجتماعی		
آموزش	Frechette (2001),	van Rijckeghem & Weder (1997), Ali & Isse (2002), Brunetti & Weder (2003)
سرانه درآمد ناخالص ملی	Braun & Di Tella (2004), Frechette (2001), Paldam (2002)	Brown, et al. (2005), Kunicova & R.Ackerman (2005), Lederman et al. (2005), Chang & Golden (2004), Damanian et al. (2004), Dreher et al. (2004), Alt & Lassen (2003), Brunetti & Weder (2003), Graeff & Mehlkop (2003), Herzfeld & Weiss (2003), Knack & Azfar (2003), Persson et al. (2003), Tavares (2003), Fisman & Gatti (2002), Bonanglia et al. (2001), Swamy et al. (2001), Abed & Davoodi (2000), Rauch & Evan (2000), Treisman (2000), Wei (2000), Ades & Di Tella (1999), Goldsmith (1999-97),

روش

پژوهش در ۵ مرحله شامل گزینش یک‌صد مقاله ISI، شناسایی دلایل، سامان‌دهی دلایل، انتخاب دلایل نماینده بر اساس دریافت نظرات **معدودی** از خبرگان و سرانجام آزمون دلایل انتخابی بر اساس آمار ملی و بین‌المللی انجام شد. جامعه آماری، مقالات مجلات معتبر بین‌المللی در مورد دلایل فساد اداری در بازه‌ی زمانی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ است. نمونه‌گیری نظری^{۷۹} به شیوه‌ی ترتیبی^{۸۰} (نیومن، ۱۳۹۳: ۴۴۳-۴۵۱) به‌موازات پژوهش ادامه یافت، تحلیل مقایسه‌ای مستمر میان همگرایی‌ها و واگرایی‌ها در میان دلایل گفته شده در مقالات، فرصتی فراهم کرد که چه مقاله‌هایی در مرحله بعد جمع‌آوری شوند و زمانی پایان پذیرفت که نمونه‌های بعدی مطالب جدیدی به دلایل

جمع آوری شده اضافه نمی‌کرد. بدین ترتیب در مجموع یک‌صد مقاله ISI در حوزه دلایل فساد اداری در بخش دولتی در کشورهای در حال توسعه مورد بررسی قرار گرفت. پس از گردآوری دلایل از متن مقالات، برای شناسایی طیف نظرات اندیشمندان، وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه‌ها و تعارض میان نظرات مشخص شد. دلایل فساد اداری در کشورهای در حال توسعه بر اساس فراوانی موجود در مقالات در ۵ طبقه اقتصادی، سیاسی، بوروکراتیک، قانونی و اجتماعی گنجانده شد. برای شناسایی دلایل فساد اداری «ایران»، نظرجویی از اعضای کمیته‌ی رساله و تعداد معدودی از اساتید رشته‌های علوم سیاسی و اقتصاد انجام شد. پس از احصاء نظرات، برای آزمودن آن‌ها به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته شد، لیکن در این مرحله به دلیل نبود آمار یا نبود امکان دسترسی به آمار موردنیاز، طی مشورت با خبرگانی که در مرحله پیشین به آن‌ها مراجعه شده بود، تصمیم به انتخاب متغیرهای نماینده در هر گروه از عوامل گرفته شد. جمع‌بندی نظرات در دومین مرحله نظرجویی از خبرگان، به انتخاب ۶ متغیر نماینده در پنج طبقه بیان شده، منجر شد. در حوزه اقتصادی دو متغیر اندازه دولت و درآمدهای نفتی، در حوزه سیاسی، متغیر دموکراسی، در حوزه بوروکراتیک، متغیر کیفیت بوروکراسی، در حوزه قانونی، متغیر حاکمیت قانون و در نهایت در حوزه اجتماعی، متغیر توسعه انسانی به‌عنوان متغیر معرف هر طبقه انتخاب شدند. با مشخص شدن فرضیه‌های پژوهش، و جمع‌آوری داده‌های ملی و بین‌المللی با استفاده از نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews فرضیه‌ها مورد آزمون قرار گرفت.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته، فساد اداری است که با استفاده از دو شاخص مورد ارزیابی قرار گرفته؛ شاخص ادراک فساد^۱ و شاخص کنترل فساد^۲. متغیرهای مستقل، شاخص اندازه دولت، شاخص دموکراسی، شاخص کیفیت بوروکراسی و شاخص توسعه انسانی هستند.

شاخص ادراک فساد. سازمان شفافیت بین‌المللی سازمانی غیردولتی است که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد و مقر اصلی آن در آلمان است. هدف اصلی آن مبارزه با فساد است. شاخص CPI از سوی این سازمان و به‌وسیله لامبدورف^۳، فسادپژوه مشهور، در ژوئن ۱۹۹۵ برای اولین بار تهیه و در سال ۱۹۹۶ به صورت رسمی ارائه شد. شاخص

ادراک فساد بر روی فساد در بخش عمومی (شامل دولت) متمرکز شده و فساد را سوءاستفاده بخش عمومی و دستگاه‌های دولتی از منافع افراد جامعه تعریف می‌نماید. در این شاخص کشورها از نظر میزان فساد ارزیابی و بررسی می‌شوند و هر سال فهرستی از این کشورها با توجه به میزان فساد آن‌ها منتشر می‌شود. کشور ما نیز از سال ۲۰۰۳ در این فهرست قرار گرفته است. این شاخص که عرضه و تقاضای فساد را نشان می‌دهد شاخصی ترکیبی است که به وسیله اندازه‌گیری‌های گوناگون میدانی و داده‌های آرشویی به دست می‌آید و مبتنی بر ادراک و نگرش فعالان و تحلیلگران اقتصادی، سیاستمداران و مدیران بخش دولتی است. این شاخص میزان سلامت کشورها را از صفر تا ۱۰۰ نشان می‌دهد و هرچه این عدد به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد آن کشور پاک‌تر و سالم‌تر است. در حال حاضر با تلاش‌های انجام شده اطلاعات این شاخص از ۱۳ منبع تأمین می‌شود. در مورد ایران ۳ تا ۷ مرجع بین‌المللی مستقل اطلاعات لازم برای محاسبه شاخص CPI را ارائه می‌کنند. انتخاب و اعتبار منابع اطلاعات توسط کمیته‌ای به نام کمیته راهبری شاخص شفافیت بین‌الملل^{۸۴} تعیین می‌شود.

شاخص کنترل فساد. شاخص کنترل فساد، با محاسبه میزان قدرت عمومی برای کسب منافع شخصی و میزان تسخیر دولت توسط نخبگان در هر دو شکل فساد خرد و کلان به دست می‌آید. شاخص CC^{۸۵} توسط موسسه حاکمیت منابع طبیعی^{۸۶}، نهاد بروکینگ^{۸۷} و گروه تحقیقاتی بانک جهانی^{۸۸} ساخته شد و از سال ۱۹۹۶ به صورت سالیانه از سوی پایگاه شاخص‌های حاکمیت جهانی^{۸۹} اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص در سال ۲۰۱۶ برای بیش از ۲۰۰ کشور محاسبه شده و از اطلاعاتی استفاده می‌کند که از ۳۲ مؤسسه‌ی متفاوت به دست آمده است. این شاخص در مورد ایران، طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۱۶ از ۴ تا ۱۰ منبع مستقل برای محاسبه کنترل فساد استفاده کرده است. بر این اساس به کشورها امتیازی در بازه (۲,۵ و -۲) داده می‌شود و کشوری که دارای امتیاز بیشتری است فساد کمتری دارد. اگرچه اقبال رسانه‌ها به شاخص ادراک فساد بیشتر است، اما متدولوژی‌ای که برای محاسبه‌ی این شاخص استفاده شده، سبب می‌شود که بتوان این شاخص را از نظر کیفیت با شاخص ادراک فساد مقایسه کرد.

شاخص اندازه دولت. اندازه دولت در اقتصاد ایران بر حسب تعاریف گوناگون بسیار

متفاوت است. دولت مرکزی و بخش عمومی دو تعریف و اندازه متفاوت از نقش و جایگاه دولت در اقتصاد ایران به دست می‌دهند. هرچند به دلیل گستردگی حجم فعالیت‌های تصدی‌گری دولت که از طریق شرکت‌های عمومی غیرمالي^{۹۰}، شرکت‌های عمومی مالی غیرپولی^{۹۱}، شرکت‌های عمومی پولی^{۹۲} و بانک مرکزی صورت می‌گیرد، اندازه بخش عمومی تفاوت فاحشی با اندازه دولت مرکزی دارد، ضعف آماری سبب شده است اطلاعات چندانی از کمیت و کیفیت هزینه‌های بخش عمومی در اختیار نباشد، بنابراین در این پژوهش از «اندازه دولت مرکزی» به معنی «مجموع هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی» استفاده شده است. علاوه بر این برای اندازه‌گیری دقیق‌تر اندازه دولت، دو متغیر دیگر «سهم هزینه‌های مصرفی» و «سهم هزینه‌های سرمایه‌گذاری» دولت از «تولید ناخالص داخلی» نیز به عنوان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده‌ی اندازه دولت در نظر گرفته شده است.

شاخص درآمدهای نفتی. متغیر درآمد نفتی OIR^{۹۳} در این پژوهش توسط دو شاخص اندازه‌گیری شده است. درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی و درآمد نفتی به درآمد کل دولت. آمار مربوط به این دو شاخص طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۵ از بانک مرکزی بخش «بودجه و وضع مالی دولت» و همچنین «حساب‌های ملی بانک مرکزی» اخذ شده است.

شاخص دموکراسی. شاخص دموکراسی DEM^{۹۴} توسط موسسه وی-دی-ام^{۹۵} به صورت سالانه محاسبه می‌شود. این شاخص ترکیبی، سه مفهوم «آزادی بیان گسترده»^{۹۶}، «آزادی اجتماعات»^{۹۷} و «انتخابات پاک»^{۹۸} را می‌سنجد و مقدار آن در بازه (۰-۱) قرار دارد. از میان شاخص‌های گوناگون سنجش دموکراسی، این شاخص به دلیل وجود داده در بازه زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۵، وجود واریانس و سازگاری سنجه‌های این مفهوم در بستر ایران انتخاب شد.

شاخص کیفیت بوروکراسی. اثربخشی دولت از ادراک کیفیت خدمات دولتی، کیفیت خدمات مدنی و میزان استقلال آن از فشارهای سیاسی، کیفیت فرموله کردن و اجرای خط‌مشی‌ها و اعتبار تعهد دولت به چنین خط‌مشی‌هایی، به دست می‌آید. شاخص GE توسط موسسه حاکمیت منابع طبیعی^{۹۹}، نهاد بروکینگ^{۱۰۰} و گروه تحقیقاتی بانک جهانی^{۱۰۱} ساخته شد و از سال ۱۹۹۶ به صورت سالیانه از سوی پایگاه

شاخص‌های حاکمیت جهانی^{۱۰۲} اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص در سال ۲۰۱۶ برای بیش از ۲۰۰ کشور محاسبه شده و از اطلاعاتی استفاده می‌کند که از ۳۲ مؤسسه‌ی متفاوت به‌دست‌آمده است. این شاخص در مورد ایران، طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۱۶ از ۳ تا ۸ منبع مستقل برای محاسبه اثربخشی دولت استفاده کرده است. بر این اساس به کشورها امتیازی در بازه (۲,۵ و ۲,۵-) داده می‌شود و کشوری که دارای امتیاز بیشتری است اثربخشی بیشتری دارد. از میان مؤسسات مذکور، بنیاد برتلزمن^{۱۰۳} به سنجش «کیفیت بوروکراسی»^{۱۰۴} و «رسمیت بیش از اندازه»^{۱۰۵} می‌پردازد. از آنجا که ادبیات تحقیق کیفیت بوروکراسی یکی از دلایل فساد اداری شمرده شد، از آمار مربوط به این بنیاد جهت اندازه‌گیری این متغیر استفاده می‌شود.

شاخص حاکمیت قانون. شاخص حاکمیت قانون^{۱۰۶} RL توسط بنیاد برتلزمن به‌صورت دوسالانه محاسبه می‌شود. این شاخص ترکیبی، سه مفهوم «تفکیک قوا»، «قوه قضاییه مستقل» و «حقوق شهروندی» را می‌سنجد و مقدار آن در بازه (۰-۱۰) قرار دارد. از میان ۱۵ مؤسسه مستقلی که سابقه اندازه‌گیری حاکمیت قانون در ایران را دارا بود، به دنبال مؤسسه‌ای بودیم که پوشش داده‌های آن سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۵ را در برگیرد، داده‌های گزارش شده آن به‌منظور ورود به برآورد الگوی رگرسیون دارای واریانس باشد و شامل سنجه‌هایی شود که با واقعیت محیط ایران سازگار است. سنجه‌های بنیاد برتلزمن منطبق بر نیاز این پژوهش بود.

شاخص توسعه انسانی. شاخص ترکیبی^{۱۰۷} HDI معرفی شده توسط برنامه توسعه ملل متحد^{۱۰۸} معیار کلی از وضعیت توسعه انسانی است که توانمندسازی کشورها را در سه بعد اساسی توسعه شامل بهدشت و سلامت، آموزش و سطح استاندارد زندگی نشان می‌دهد، اما برای کمی نمودن این ابعاد متغیرهای جانشین در نظر گرفته است. بعد سلامت، از شاخص «امید به زندگی در بدو تولد»^{۱۰۹}، بعد آموزش از دو شاخص «متوسط طول دوره‌ای که در افراد بزرگسال ۲۵ سال به بالا صرف آموزش می‌شود»^{۱۱۰} و «طول دوره‌ی مورد انتظار برای تحصیل کودکان در سن ورود به مدرسه»^{۱۱۱}، و بعد استاندارد زندگی از «سرانه درآمد ناخالص ملی»^{۱۱۲} تشکیل شده است. این شاخص در بازه (۰-۱) قرار دارد بدین معنا که هر چه قدر مقدار این شاخص به یک نزدیک‌تر باشد، آن کشور از توسعه انسانی بالاتری برخوردار است. در جدول ۲ اسامی متغیرها به همراه

شاخص‌های تشکیل‌دهنده‌ی آن‌ها، همراه با منبع انتشار آن‌ها به‌طور کامل شرح داده شده است.

جدول ۲- متغیرهای پژوهش

عامل	متغیرنماینده	شاخص‌ها	منبع داده
فساد	ادراک فساد	میانگین نمرات ۳ تا ۷ موسسه مستقل طی	سازمان شفافیت بین‌المللی ^{۱۱۳}
	کنترل فساد	سالیان مختلف	
اقتصادی	اندازه دولت	میانگین نمرات ۴ تا ۱۰ موسسه مستقل طی	پایگاه شاخص حاکمیت جهانی ^{۱۱۴}
	درآمد نفتی	درآمد نفتی به درآمد کل	بانک مرکزی ایران
	درآمد نفتی	درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی	
سیاسی	دموکراسی	آزادی بیان گسترده آزادی اجتماعات انتخابات پاک	موسسه وی-دی‌م (گوناگونی- دموکراسی) ^{۱۱۵}
بوروکراسی	اثربخشی دولت	کیفیت بوروکراسی	واحد اطلاعات اقتصادی ^{۱۱۶}
قانونی	حاکمیت قانون	تفکیک قوا قوه قضاییه مستقل حقوق شهروندی	بنیاد برتلزمن
اجتماعی	توسعه انسانی	امید به زندگی در بدو تولد متوسط طول دوره‌ی آموزش افراد بالای ۲۵ سال طول دوره‌ی مورد انتظار برای تحصیل کودکان در سن ورود به مدرسه سرنانه درآمد ناخالص ملی	برنامه توسعه ملل متحد ^{۱۱۷}

نتایج تجربی برآورد مدل. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیونی در دو مدل مجزا استفاده شد. در مدل اول از «شاخص کنترل فساد (CC)» به‌عنوان متغیر وابسته استفاده شد و از متغیرهای «هزینه جاری به تولید ناخالص ملی (SG_CU)»،

«درآمد نفتی به تولید ناخالص داخلی (OIL_BUD)»، «دموکراسی (DEM)»، «کیفیت بوروکراسی (GE)»، «حاکمیت قانون (RL)» و «توسعه انسانی (HD)» به‌عنوان متغیر مستقل استفاده شد. در مدل دوم از «شاخص ادراک فساد (CPI)» به‌عنوان متغیر وابسته استفاده شد و متغیرهای مستقل این مدل نیز همانند مدل اول هستند. در تفسیر خروجی برنامه Eviews می‌توان گفت با توجه به مقدار مجذور $R (0/816792)$ ، ۸۲ درصد تغییرات شاخص کنترل فساد در ایران تحت تأثیر متغیرهای مستقل مدل هستند و مابقی مربوط به سایر عوامل هستند که در مدل لحاظ نشده است. احتمال آماره $F (0/0000)$ و مجموع مربعات باقیمانده ($0/013731$) نیز قدرت توضیحی رگرسیون را نشان می‌دهد و حاکی از آن است که مدل مناسبی برازش شده است. علاوه بر آن تحلیل باقی‌مانده‌های مدل نشان از برقراری فروض کلاسیک (عدم وجود خودهمبستگی بین باقی‌مانده‌ها، عدم وجود ناهمسانی واریانس در باقی‌مانده‌ها، نرمال بودن باقی‌مانده‌ها) داشته و برازش مدل را تأیید می‌کند: با توجه به مقدار آماره آزمون دوربین واتسون ($2/122142$) فرض خودهمبستگی بین باقیمانده‌ها رد می‌شود، نتایج آزمون واریانس ناهمسانی گلچسر حاکی از آن است که مدل دارای واریانس همسانی است و مقدار آماره جاک - برا^{۱۸} در آزمون نرمال بودن جزء اخلاص، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن جزء اخلاص را تأیید می‌کند. نتایج برآورد مدل با شاخص ادراک فساد نیز، یافته‌های مدل اول را تأیید می‌کند.

یافته‌ها و تحلیل فرضیه‌ها

فرضیه اول. فرضیه نخست پژوهش ادعا می‌کند فساد اداری در ایران با کاهش اندازه دولت و به عبارتی کم شدن هزینه‌های جاری به تولید ناخالص داخلی کمتر می‌شود. عدم تأیید این فرضیه، مبین آن است که با کم شدن هزینه‌های جاری دولت، شاهد رشد چشم‌گیر در فساد اداری ایران بوده‌ایم. این یافته با مطالعات (اروت و همکاران، ۲۰۱۰؛ چانگ و گلدن، ۲۰۰۴؛ فیشمن و گاتی، ۲۰۰۲؛ بناگلیا و همکاران، ۲۰۰۱؛ لاپورتا و همکاران، ۱۹۹۹) سازگار است. در توضیح شاید بتوان گفت کوچک‌سازی به‌عنوان اهداف برنامه‌های توسعه سبب شد خصوصی‌سازی در کشور ایران نیز همچون کشورهای در حال توسعه با واگذاری شرکت‌های سود ده به طرفداران حزبی و اقوام و

دوستان متجلی شود. در این نظام توزیع غنائم^{۱۱۹}، حاکمیت دولت و مدیریت دولتی در دست مجموعه‌ای خاص است (پیترز گای^{۱۲۰}، ۱۹۹۵؛ هاندگم^{۱۲۱}، ۲۰۰۰). اصلاحات نظیر خصوصی‌سازی، انعقاد قرارداد، مشارکت میان بخش‌های خصوصی و عمومی، مقررات زدایی، برون‌سپاری، ابزارهای پاسخگویی چون بحث‌های مجلس، کارگروه‌های قانون‌گذاری و کنترل‌های اداری داخلی را ناکارآمد کرده و بر افزایش فساد در بخش دولتی صحنه گذاشته‌اند (هود، ۲۰۰۰: ۷۳-۹۷؛ گای، ۲۰۰۰: ۱۳۶-۱۴۸؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^{۱۲۲}، ۱۹۹۷). از طرفی به نظر می‌رسد انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و انحلال شوراهای عالی توسط ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۸۶ سبب کاهش شفافیت عملکرد قوه مجریه و به موازات آن افزایش فساد اداری شد.

فرضیه دوم. دومین فرضیه پژوهش مدعی است فساد اداری در ایران با کاهش درآمد نفتی کمتر می‌شود. رد فرضیه دوم نشان می‌دهد با کاهش درآمد نفتی، فساد اداری کشور افزایش یافته است. این نتایج با دیدگاه‌ها و یافته‌های (مه‌دوی، ۲۰۱۴؛ اندرسون و اسلکسن، ۲۰۱۳؛ آرزکی و جیلفسون، ۲۰۱۱؛ آرزکی و برونکر، ۲۰۱۱؛ باربیر، ۲۰۱۰؛ بهاتاچری و هادلر، ۲۰۱۰؛ ویسنت، ۲۰۱۰؛ راس، ۲۰۰۸؛ همیلتون و ژیوانی، ۲۰۰۶؛ اسمیت، ۲۰۰۴؛ لیت و ویدمن، ۱۹۹۹؛ کارل، ۱۹۹۷؛ نجفی، ۱۳۸۳) که معتقدند نفت در حکمرانی نقش مهمی در افزایش فساد دارد، همخوانی دارد. یکی از اصلی‌ترین توجیهات منطقی انحراف نقش کارکردی دولت در کشورهای صادرکننده نفت به‌ویژه ایران این است که با درآمد هنگفتی که بدون زحمت از نفت حاصل شده، بخش تولید و بازار تضعیف شده و دولت را بی‌نیاز از رشد اقتصادی می‌کند. در کشورهای صادرکننده نفت اوپک، رانت نفتی به‌صورت مستقیم نصیب دولت می‌شود؛ بنابراین پیامدهای داخلی این رانت به تصمیم دولت درباره چگونه هزینه کردن آن بستگی دارد. سهم‌خواهی گروه‌ها و جناح‌های سیاسی و اجتماعی، و نیز غیبت نهادهای قانونی و معتبر که به حل‌وفصل اختلافات و اداره منازعات گروهی بپردازند، موجب می‌شود هنگامی که منابع مالی به‌آسانی به‌دست‌آمده، مقاومت در برابر خرج کردن کاری بسیار دشوار شود. بدین ترتیب در هنگام درآمدهای بادآورده، تصمیم‌های تخصیصی که نتیجه زد و بند گروه‌های ذی‌نفع و نقض قوانین و رویه‌های رسمی در تخصیص قراردادهای و یارانه‌های دولتی و تخصیص اعتبار درون نظام بانکی باشد، بسیار رایج است.

کارل (۱۳۸۸)، بیان می‌کند: «این امر همزمان توانایی دولت را در تأثیرگذاری بر جامعه و هدایت کارآمد تضعیف می‌کند، به این دلیل که توانمندی‌های دیگر کسب درآمد دولت از بین می‌رود، هر زمان مقام‌های دولتی با فشار حاصل از کاهش درآمد نفتی مواجه شوند عادت پیدا می‌کنند به هر نحو ممکن کشورداری کنند در نتیجه با افزایش فساد، ظرفیت و صلاحیت دولت برای اداره کشور دائماً تضعیف می‌یابد». به نظر می‌رسد در دوره‌هایی که با کاهش درآمدهای نفتی روبرو بوده‌ایم، تحریم‌های نفتی به رانتیر بودن کشور دامن زده است و دولت را مجبور کرده در دوران تحریم، از راه‌های غیررسمی برای فروش نفت خود اقدام کند که درآمد حاصل از آن، به خزانه‌ی دولت واریز نشده است.

فرضیه سوم. فساد اداری در ایران با برقراری دموکراسی بیشتر (آزادی بیان بیشتر، آزادی اجتماعات، و برگزاری انتخابات سالم‌تر) کمتر می‌شود. این نتیجه که «دموکراسی» فساد را کاهش می‌دهد با دیدگاه‌ها و یافته‌های (کوئرا و همکاران، ۲۰۱۲؛ کونیکوا و رزاکرم، ۲۰۰۵؛ لدرمن و همکاران، ۲۰۰۵؛ گروگر و شاه، ۲۰۰۵؛ برون و دیتلا، ۲۰۰۴؛ چانگ و گلدن، ۲۰۰۴؛ دامانیا و همکاران، ۲۰۰۴؛ بروننتی و ودر، ۲۰۰۳؛ هرسفلد و همکار، ۲۰۰۳؛ ناک و ازفر، ۲۰۰۳؛ برودمن، ۲۰۰۲؛ پالدام، ۲۰۰۲؛ بناگلیا و همکار، ۲۰۰۱؛ فرچته، ۲۰۰۱؛ سوآمی و همکاران، ۲۰۰۱؛ تریسمن، ۲۰۰۰؛ وی، ۲۰۰۰؛ ادس و دیتلا، ۱۹۹۹؛ لیت و ویدمن، ۱۹۹۷؛ گلداسمیت، ۱۹۹۹؛ ون ریجکگم، ۱۹۹۷) همخوانی دارد. همچنین این نتیجه که آزادی رسانه بیشتر و آزادی بیان گسترده‌تر سبب کاهش فساد می‌شود با تحقیقات (لدرمن و همکاران، ۲۰۰۵؛ سوفاکالاسایی، ۲۰۰۵؛ بروننتی و ودر، ۲۰۰۳) مطابقت دارد. با تأیید این فرضیه به نظر می‌رسد آزادی سیاسی، شفافیت را تحمیل می‌کند و در سیستم سیاسی کنترل و توازن ایجاد می‌شود. مشارکت سیاسی، رقابت سیاسی، و محدود کردن مدیران اجرایی، توانایی افراد جامعه را برای نظارت و اعمال محدودیت قانونی بر سیاستمداران و بوروکرات‌ها افزایش داده و سبب کاهش فساد می‌شود (کونیکوا و رزاکرم، ۲۰۰۵). همچنین به اعتقاد طرفداران نظریه‌های دولت رانتیر، رابطه معناداری میان رانتیر بودن دولت‌ها و ماهیت غیردموکراتیک آن وجود دارد. به بیان دیگر بی‌نیازی اقتصادی و درآمد مستقل دولت، علت ماهیت غیردموکراتیک نظام‌های رانتیر است (لوسیانی، ۱۳۷۴). از این رو درآمدهای

نفتی موجب آسیب رساندن به دموکراسی می‌شود (بهاتاچری و هادلر، ۲۰۰۹؛ نیلسون، ۲۰۰۸). یافته‌ها در تحقیق نشان می‌دهد در دوران تحریم، که رانتیر بودن ایران به شکل دور زدن کانال‌های رسمی شدت یافته، از میزان دموکراسی نیز کاسته شده است.

فرضیه چهارم. فساد اداری در ایران با بهبود کیفیت بوروکراسی کمتر می‌شود. تأیید این فرضیه با مطالعات بسیاری چون (گروگر و شاه، ۲۰۰۵؛ هرسفلد و وایس، ۲۰۰۳؛ بروننتی و ودر، ۲۰۰۳؛ ون ریجگگم و ودر، ۲۰۰۱، ۱۹۹۷؛ راج و ایوان، ۲۰۰۰، مائورا، ۱۹۹۸) که بیان می‌دارند هرچه کیفیت بوروکراسی بالاتر رود، از احتمال وقوع فساد کاسته می‌شود مطابقت دارد. همچنین این فرضیه با نظریه‌های «دولت رانتیر»، «ارزش‌های اخلاقی متعارض»، نظریه «ساختاری- کارکردی»، نظریه «جامعه منشوری»، و نظریه «خطای تعمیم بوروکراسی وبری» سازگار است.

بر اساس مطالعات (احمدف و همکاران^{۱۳۳}، ۲۰۱۳؛ باربیر، ۲۰۰۳؛ لوسیان، ۱۳۷۴) شاید بتوان استنباط کرد به دلیل آنکه ایران برخی از ویژگی‌های جامعه منشوری را دارد، درآمد حاصل از نفت سبب شده به عملکرد بوروکراسی آسیب بیشتری وارد آید. بوروکراسی دولت‌های نفتی همچون ایران، غیر عقلایی و فلسفه وجودی آن، اصل دریافت نکردن مالیات در برابر وجود نداشتن نمایندگی است. بی‌نیازی اقتصادی و کسب درآمد دولت از منابعی چون مالیات از اشخاص حقیقی و حقوقی جامعه، سرشت غیردموکراتیک دولت‌های رانتیر است. همچنین مطالعات (ایلیم، ۲۰۰۶؛ کلاورن، ۲۰۰۵؛ هوفلینگ، ۲۰۰۲؛ رزاکرمن، ۲۰۰۵؛ زامور و اسمیت^{۱۳۴}، ۱۹۸۳؛ الوانی و همکار، ۱۳۹۴: ۱۵۹) نشان می‌دهد هرگاه ارزش‌های اخلاقی متعارض تضاد میان ارزش‌های سازمانی و ارزش‌های فرهنگی را بیشتر کند، بوروکراسی کارایی خود را از دست می‌دهد. بنابراین، منشأ فساد اداری، خودخواهی شخصی نیست، بلکه احساس نیاز برای انجام وظایف اخلاقی شخص، همچون تضمین وفاداری به دوستان و خانواده است که موجب فساد می‌شود. به عبارتی، طبق نظریه خطای تعمیم بوروکراسی وبری، دولت تلاش می‌کند تا با سازوکار پارتی‌بازی، هر چیزی را که بر آن کنترل دارد، به عنوان وسیله‌ای برای به حداکثر رساندن نفع شخصی‌اش در نظر گیرد. به عبارتی مساعدت‌های خود را با فروش یا اعطای «مشاغل»، «تیول‌ها» یا «ادارات» توزیع می‌کند اما این کار مستلزم آن است که کارکنان در طول دوره تصدی‌گری به دولت وفادار باشند. این

«شبکه تعاملات متقابل»، اعضای دولت را مجبور به هم‌بستگی متقابل می‌کند. از این رو این دیدگاه، چشم‌اندازی را برای تحلیل شکل پایدار و نظام‌مند فساد فراهم می‌سازد که دارای ویژگی شبکه تعاملات متقابل از طریق سازوکار پارته‌بازی و حمایت است. مطالعات (مونگیو، ۲۰۰۶؛ های‌دنه‌ایمر و جانستون^{۱۲۵}، ۲۰۰۵؛ نای، ۱۹۶۷؛ بندیکس، ۱۹۶۰) نیز نشان می‌دهد تملک ابزارهای مدیریت، به بوروکراسی این امکان را می‌دهد که فروخته شود، به صورت میراث منتقل شود و یا مورد اختلاس واقع شود. به دلیل آنکه، تمایز میان نقش شخصی و نقش دولتی به روشنی ترسیم نشده، مدخلی برای بروز رفتار انحرافی فراهم می‌شود که می‌تواند از نارسایی در قوانین، نامطلوب بودن نظام‌های مجازات و نظارت، نامناسب بودن نظام استخدام یا فرهنگ‌سازمانی که توسط ساختار سازمانی درونی نشده است نشأت بگیرد. ریگز در نظریه جامعه منشوری، فرضیه‌ی پارسونز را در مورد رفتار اداری در نظریه ساختاری-کارکردی به کار می‌گیرد و می‌گوید نقش‌های بوروکرات‌ها وقتی به صورت کامل نهادینه می‌شود که به طور کامل با الگوهای فرهنگ غالب سازگار باشد و همسو با انتظارات و الگوهای اخلاقی جامعه و ارزش‌هایی که اعضای آن پذیرفته‌اند، سازماندهی شوند (پارسونز و شیلز^{۱۲۶}، ۱۹۵۱ نقل شده در پاول دومگیو^{۱۲۷}، ۱۹۹۱: ۱۶). روش‌های مدیریتی مدرن که استخدام بر اساس شایستگی و اکتساب را تضمین می‌کند، بازتاب هنجارهای جهان‌شمول و عام‌گرایی هستند. باین حال، در بافت هنجاری جوامع منشوری، همین روش ممکن است برای حفظ خاص‌گرایی به کار گرفته شود و خانواده‌ها یا گروه‌های خویشاوند قدرت خود را برای کسب شغل بکار گیرند. در ایران نیز تمایز روشنی بین نقش عمومی و تعهدات خصوصی یک شخص وجود ندارد؛ اما در واقع فرد ناچار است میان ارزش‌هایی که با نقش خصوصی و عمومی‌اش مرتبط شده است، یکی را انتخاب کند.

فرضیه پنجم. این پژوهش مدعی است فساد اداری در ایران با افزایش حاکمیت قانون («تفکیک قوا»، «قوه قضاییه مستقل» و «حقوق شهروندی») کمتر می‌شود. لکن یافته‌ها حاکی از آن است که تأثیر حاکمیت قانون بر فساد معنادار نبوده است و این فرضیه رد شده است. با توجه به اینکه ادعای تحقیق حاصل مرور ادبیات ۱۰۰ مقاله معتبر بین‌المللی می‌باشد باید دید چرا در ایران این تأثیر معنادار نبوده است. آیا اطلاعات پژوهش و نحوه ایجاد آن دچار نقایصی است و باید نسبت به آن با تردید

نگریست؟ آیا می‌توان رد این فرضیه را به ماهیت شاخص‌ها نسبت داد؟ یا لازم است در یافته‌های پژوهش‌های پیشین تجدیدنظری صورت گیرد؟ و یا اینکه شرایط ایران به نحوی است که میان حاکمیت قانون و فساد رابطه‌ای وجود ندارد؟ بنابراین انجام پژوهش‌هایی که یافته‌ی این فرضیه را موردبررسی قرار دهند، ضروری است. بر اساس مطالعه جانستون (۲۰۰۵)، اقداماتی چون کنترل‌های مدیریتی از طریق تفکیک قوا، دستگاه قضایی مستقل، جامعه مدنی قوی که در بسیاری از جوامع مدرن، مانعی برای بروز فساد می‌شوند؛ در جوامع منشوری انجام نمی‌شود. این نهادها در جوامع منشوری حاصل مباحثات سیاسی بوده و از سوی گروه‌هایی طراحی می‌شوند که در پی کسب و حفظ منافع خود هستند و در نتیجه نمی‌توانند موجبات کاهش فساد را فراهم کنند. همچنین نتیجه این فرضیه با مطالعات (نیلی و همکار، ۱۳۸۵؛ گود و همکاران، ۱۹۸۳) همخوانی دارد. نیلی و همکار (۱۳۸۵)، بیان می‌کنند به‌رغم آنکه دولت‌ها از مجرای قوانین بر عملکرد اقتصاد اثر مثبت می‌گذارند، اما در ایران به دلیل اتکا به درآمدهای نفتی و در نبود زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و نهادهای کارآمد، منابع مالی به بخش دولتی تزریق می‌شود. این امر باعث می‌شود اقتصاد با سرعت بیشتری به سمت دولتی شدن پیش رود و برقراری قوانین و مقررات محدودکننده ابعاد وسیع تری پیدا کند. همین محدودیت به دلیل کارایی کم فعالیت‌های دولتی و گسترش فعالیت‌های رانت‌جویانه، کاهش رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی، سبب فساد بیشتر می‌شود. گود و همکاران^{۱۲۸} (۱۹۸۳)، نیز معتقدند تصدی‌گری دولت در امور اجتماعی و اقتصادی منجر به افزایش مقررات و رویه‌ها شده، موجبات ترویج فساد بوروکراتیک در کشورهای درحال توسعه را فراهم می‌کند.

فرضیه ششم. فساد اداری در ایران با بهبود شاخص‌های توسعه انسانی (امید به زندگی بیشتر، جمعیت تحصیل‌کرده بیشتر، سرانه درآمد ناخالص ملی بیشتر) کمتر می‌شود. لکن یافته‌ها حاکی از آن است که تأثیر توسعه انسانی بر فساد معنادار نبوده است و این فرضیه رد شده است. بر اساس مطالعات (اوگانديا، ۲۰۱۰؛ لاتین و فرون، ۲۰۰۳؛ ران، ۲۰۰۵) اقتصادهای غنی از منابع طبیعی اکثراً دارای رهبرانی غیرپاسخگو هستند و تمایلی به برطرف کردن بیکاری حاد جوانان، رفع موانع کاهش قدرت خرید مردم و ارائه کالاهای عمومی مرتبط با رفاه مردم ندارند، در نتیجه نارضایتی واقعی را در

میان مردم به وجود می‌آورند. بر این مبنا شاید بتوان عدم وجود رابطه بین شاخص توسعه انسانی و فساد اداری را توجیه کرد. از طرفی ایران در شاخص رفاه جهانی لگاتوم^{۱۲۹} با اندازه‌گیری عواملی چون تولید ناخالص داخلی، سرمایه اجتماعی، سلامتی، آزادی سیاسی و کیفیت کلی زندگی، سال ۲۰۱۶ در رتبه ۱۱۸ در میان ۱۴۲ کشور نسبت به سال قبل ۱۲ پله سقوط داشت (گزارش شاخص رفاه لگاتوم، ۲۰۱۶)؛ شاخص فقر انسانی طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۶ حاکی از افزایش فقر انسانی از مقدار ۳۰ به ۵۹ است. بر اساس یافته‌های سنجش ملی سرمایه اجتماعی در سال ۱۳۹۴، تنها حدود ۲۴ درصد از مردم کشور آینده را بهتر ارزیابی می‌کنند (سنجش ملی سرمایه اجتماعی، ۱۳۹۴). نتایج مشارکت خبرگان در پژوهش مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۶) نیز نشان می‌دهد تنها حدود ۸ درصد از خبرگان وضعیت سال آینده را بهتر ارزیابی کرده‌اند. نتایج حاصل از شاخص توسعه انسانی، شاخص رفاه جهانی، شاخص فقر انسانی و شاخص امید به آینده در عین داشتن برخی ابعاد مشابه و یا مشترک، با یکدیگر سازگار نیستند. برای اینکه بتوان تصویری واقعی از وضعیت توسعه انسانی کشور به دست آورد، می‌توان پژوهشی در مورد روش‌شناسی این شاخص‌ها، ابزار اندازه‌گیری و نحوه جمع‌آوری اطلاعات صورت گیرد تا تناقض نتایج میان این شاخص‌ها مشخص شود. باید دید چرا در کشور ایران تأثیر شاخص توسعه انسانی بر فساد معنادار نبوده است. آیا باید به آمار ارائه شده این شاخص با تردید نگریست؟ آیا می‌توان رد این فرضیه را به ماهیت شاخص‌ها نسبت داد؟ آیا جمعیت تحصیل کرده بیشتر و توسعه کمی آموزش، به تنهایی می‌تواند شاخص مناسبی برای توسعه انسانی باشد؟ آیا آنچه سبب کاهش فساد می‌شود رشد کمی آموزش است یا توسعه کیفی آن؟ می‌توان بررسی کرد آیا افزایش سرانه درآمد ناخالص ملی حاصل از درآمدهای نفتی، به معنی بهتر شدن وضعیت معیشتی مردم و بهبود استانداردهای زندگی است؟ احتمال دیگری که می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد این است که سهم عوامل مشترک اثرگذار بر توسعه انسانی و فساد مشخص شود تا بتوان بررسی کرد اگر شاخص توسعه انسانی رشد داشته است، سهم دیگر عوامل مؤثر بر فساد که وزن توسعه انسانی را خنثی می‌کنند چقدر است؟

بحث

رد فرضیه اول نشان می‌دهد آثار سوء اندازه دولت بر روی فساد از جنس کاهش هزینه‌های جاری دولت مرکزی نیست. می‌توان این سؤال را مطرح کرد؛ آیا مبانی کوچک‌سازی «دولت مرکزی» از طریق کاهش هزینه‌های جاری، می‌تواند منشأ کاهش فساد در دولت رانتیر باشد؟ رد فرضیه دوم حاکی از آن است که فساد اداری در ایران با کاهش درآمد نفتی در دوره‌ی تحریم‌ها بیشتر می‌شود. از این رو با توجه به افزایش عدم قطعیت‌های درآمدهای نفتی در آینده، و سهم به سزای آن در افزایش فساد، اصلاح ساختار اقتصادی ایران از طریق کاهش «اختیار» درآمدهای نفتی توسط دولت می‌تواند در اولویت قرار بگیرد. با اتخاذ سیاست‌های مناسب، وجود درآمدهای عظیم نفتی شاید بتواند به یک فرصت تبدیل شود. احتمال دارد با نگهداری رانت نفتی در صندوق دولتی، بتوان آن را صرف هزینه‌های سرمایه‌ای و تأمین اجتماعی کرد. تأیید فرضیه سوم مبین آن است که با آزادی بیان بیشتر، آزادی اجتماعات، و برگزاری انتخابات سالم‌تر و به عبارتی برقراری دموکراسی بیشتر، فساد اداری کمتر می‌شود. دموکراسی بدون وجود شرایطی که افراد جامعه به اطلاعات و ساختار حکومت و فعالیت‌هایش دسترسی داشته باشند، کار نمی‌کند: «به همین دلیل رسانه‌ها باید از آزادی لازم و حق دسترسی و انتشار برخوردار باشند»؛ از این رو می‌توان مؤلفه‌های اندازه‌گیری شاخص آزادی رسانه و نحوه‌ی اندازه‌گیری آن را مورد مطالعه قرار داد تا بتوان درک درستی از میزان آزادی مطبوعات در ایران به دست آورد. مرور ادبیات اذعان می‌کند برخی از جنبه‌های انتخابات دموکراتیک فرصت‌های فساد را ایجاد می‌کنند. یافته‌های شماری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد انتخاب سیاستمداران از طریق لیست‌های بسته و حزبی باعث افزایش فساد می‌شود چرا که می‌تواند ارتباط مستقیم بین رأی دهندگان و سیاستمداران را مختل کند، در نتیجه توانایی رأی دهندگان را برای انتخاب سیاستمداران پاسخگو تقلیل دهد (کونیکوا و رز اکرم، ۲۰۰۵؛ پرسون و تابلینی، ۲۰۰۳). در عین حال (چانگ و گلدن، ۲۰۰۳؛ پرسون و همکاران، ۲۰۰۳؛ بورن و ولسمن، ۲۰۱۳) معتقدند لیست‌های باز نمایندگان، منجر به فساد بیشتر می‌شود. می‌توان رابطه وجود لیست‌های بسته یا باز در دوره‌های مختلف انتخابات در کشور را با میزان فساد همان دوره مورد مطالعه قرار داد تا بتوان در برگزاری انتخابات سالم‌تر گامی برداشت. تأیید فرضیه چهارم نیز نشان می‌دهد فساد اداری در ایران با بهبود کیفیت بوروکراسی کمتر می‌شود، به نظر

می‌رسد آنچه سبب‌ساز شده ایران در سالیان پس از انقلاب همچنان در حالت گذار از جامعه سنتی به مدرن گرفتار باشد و تبعات ارزش‌های اخلاقی متعارض در بوروکراسی‌اش نمایان باشد، وابستگی به درآمدهای نفتی است. آلفونسو، دیپلمات ونزوئلایی که او را بنیان‌گذار اوپک (سازمان کشورهای تولیدکننده نفت) می‌خوانند، زمانی درباره ونزوئلا گفته بود: «نفت مدفوع شیطان است، ما در مدفوع شیطان غرق خواهیم شد.» (فاضلی، ۱۳۹۶). اما سرنوشت نروژ یا آن دسته از کشورهای توسعه‌یافته صاحب نفت نظیر آمریکا، کانادا و انگلستان صاحب نفت در دریای شمال نشان می‌دهد نفت به تنهایی قادر نیست کشورها را در خود غرق کند. آن‌ها که دولت با ظرفیت ساختند و سپس گنج نفت یافتند؛ و آن حکمرانانی که بر بنیان نفت، دولت ساختند، سرنوشت‌های متفاوت داشتند. از این رو شاید بتوان با بهبود کیفیت بوروکراسی ظرفیت دولت را افزایش داده تا بتوان از موهبت وجود نفت در جهت مبارزه با فساد اداری کشور بهره‌مند شد.

در مورد محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت در این مطالعه به‌منظور استخراج دلایل فساد اداری کشورهای در حال توسعه از مرور در محتوای مقالات معتبر بین‌المللی استفاده شده و نتایج در پنج حوزه گنجانده شد، لکن یکی از محدودیت‌های تحقیق آن بود که وزن هر یک از حوزه‌های پنج‌گانه در مقالات شناسایی نشد. همچنین از محدودیت‌های ذاتی پژوهش این بود که با توجه به آنکه مقادیر مربوط به شاخص‌های گزارش شده با توجه به ادراکات خبرگان گزارش شده است، ممکن است منطبق بر واقعیت نباشد. همچنین به دلیل نبود آمار و یا نبود امکان دسترسی به آمار موردنیاز، محقق ناگزیر از انتخاب دوره زمانی ۱۳۸۰-۱۳۹۵ شد که در آن محدوده همه داده‌های مربوط به شاخص‌های منتخب موجود بود. در حوزه‌ی فساد اداری ایران، امکان دسترسی به شواهد مکتوب و پرونده‌های فساد و سایر آمارها و گزارش‌های مرتبط، عملاً فراهم نشد. نبود آمار و اطلاعات موردنیاز برای بررسی دلایل گردآوری شده در مورد کشور، محقق را بر آن داشت به‌منظور انتخاب متغیرهای نماینده از میان دلایل احصاء شده، با نظرجویی از طریق معدودی از خبرگان موضوعی در رشته‌های مدیریت، اقتصاد، علوم سیاسی بهره‌گیرد. از یک‌طرف گرایش‌های مختلف این خبرگان و همچنین شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در زمان انجام پژوهش سبب سوگیری شد

و از طرف دیگر با توجه به آنکه خبرگان را تعداد معدودی از اعضای هیأت علمی تشکیل داده در جمع‌آوری نظرات، دیدگاه‌ها و اختلاف‌نظرها در مورد دلایل فساد اداری در لایه‌های سیاسی و مدیریتی سازمان‌ها، جریان‌های فکری و اجتماعی، اصحاب رسانه، احزاب و گروه‌های سیاسی، متقاضیان تصدی مقام‌های اجرایی، نظارتی، و قانون‌گذاری و هر نهاد دیگری لحاظ نشد، موجب شد انتخاب متغیرهای نماینده تحت تأثیر این سوگیری نیز قرار گیرد؛ علاوه بر آن، «عدم قطعیت» و «اهمیت» هر یک از حوزه‌های پنج‌گانه و دلایل وابسته به هر حوزه در مورد ایران نیز مورد بررسی قرار نگرفت؛ بنابراین بدیهی است به‌منظور پرهیز از گرایش‌ها و تمایلات خبرگان محدود این تحقیق، و به‌منظور جلوگیری از رویکرد هنجاری و تجویزی، بایستی نظرجویی از خبرگان با ویژگی‌های متفاوت صورت پذیرد. بدیهی است تعمیم‌پذیری یافته‌ها مستلزم انجام پژوهش‌های جامع‌تر است. در مجموع می‌توان گفت نداشتن روایی بیرونی و عدم امکان تعمیم‌پذیری از محدودیت‌های اصلی این پژوهش به‌شمار می‌رود. از این‌رو پیشنهاد می‌شود این پژوهش با روش طولی و استراتژی‌های دیگر تحقیق انجام شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Transparency International

۲. در اصول ۳، ۸، ۴۳، ۴۹، ۵۵، ۷۶، ۹۰، ۱۱۰، ۱۴۱، ۱۷۳، ۱۷۴ از قانون اساسی به کنترل و نظارت بر دستگاه‌های اجرایی و مبارزه با فساد، تباهی، انحصارطلبی، رشوه و اختلاس و ... تصریح شده است. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸). در همین راستا در تاریخ ۱۳۸۰/۰۲/۱۰ فرمان مهمی از سوی مقام رهبری در جهت مبارزه با فساد در نظام اداری و مالی و اقتصادی صادر گردید. در بخشی از سند چشم‌انداز، از بین بردن فساد به عنوان هدف آرمانی منبعث از قانون اساسی مطرح شده است؛ جامعه ایرانی در افق آن دارای چنین ویژگی‌هایی خواهد بود: برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط‌زیست مطلوب. (سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش، ۱۳۸۲). به همین دلیل در سیاست‌های کلی نظام اداری در بندهای ۱۳، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۵ و در قانون برنامه‌های چهارم تا ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران در چندین بند، و قانون مدیریت خدمات کشوری مواد ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۷ به‌طور صریح به موضوع مبارزه با فساد تأکید شده است. همچنین قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد به انحاء مختلف به موضوع مقابله با فساد برای داشتن نظام اداری سالم و عاری از فساد اشاره کرده است.

3. Frisch

4. Pillay

5. Harrison

6. Ontology

7. Kurer

8. Micro

9. Meso
10. Macro
11. Perceived Corruption
12. Social psychology of corruption
13. De Graaf
14. Heidenheimer
15. AshForth & Anand
16. Khan
17. Nye
18. Pitt & Abratt
19. Tanzi
20. Treisman
21. Duyne
22. Huntington
23. Rabl & Kühlmann
24. Size of Government
25. Arvate et al.
26. Chang & Golden
27. Fisman & Gatti
28. Bonaglia et al.
29. La Porta et al.
30. Rose-Ackerman & Palifka
31. Kotera, et al.
32. Goel & Nelson
33. Lederman et al.
34. Alt & Lassen
35. Ali and Isse
36. Mauro
37. Goel & Korhonen
38. Brunnschweiler
39. Brunnschweiler & Bulte
40. Alexeev & Conrad
41. Serra
42. Ross
43. Sutherland
44. Brunetti & Weder
45. Jetter et al.
46. Kunicova
47. Park
48. Leite & Weidmann
49. van Rijckeghem & Weder
50. Herzfeld & Weiss
51. Rauch & Evan
52. Gurgur & Shah
53. Mistry & Jalal
54. Bertot et al.
55. Kim et al.
56. Shim & Eom
57. Ndou
58. Damania et al.
59. Kaufmann et al.
60. Broadman
61. Bertelsmann Foundation
62. Goldsmith
63. Azfar & Nelson
64. Laffont
65. Croley
66. Prillaman
67. Banfield
68. Evrensel
69. Frechette
70. Eicher et al.
71. Ylmaz & Arvas
72. Persson et al.
73. GDP per capita
74. Hall & Jones
75. Aidt
76. Shao et al.
77. Paldam
78. Brown et al.
79. Theoretical
80. Sequential
81. Corruptions Perception Index (CPI score)

-
- | | |
|---|--|
| 82. Control of Corruption | 106. Rule of Law |
| 83. Lambsdorff | 107. Human Development Index |
| 84. Transparency International Index Steering Committee | 108. United Nations Development Program (UNDP) |
| 85. Control of Corruption | 109. Life Expectancy at Birth (Years) |
| 86. Natural Resource Governance Institute | 110. Mean Years of Schooling (Adults Aged 25 Years and Above) |
| 87. Brookings Institution | 111. Expected Years of Schooling - Primary to Tertiary (Children of School Entrance Age) |
| 88. World Bank Development Research Group | 112. GNI Per Capita (PPP US\$) |
| 89. Worldwide Governance Indicator (WGI) | 113. Transparency International |
| 90. Nonfinancial Public Corporations | 114. Worldwide Governance Indicator |
| 91. Non-monetary Financial Public Corporations | 115. Varieties of Democracy Institute |
| 92. Monetary Public Corporations | 116. Economist Intelligence Unit |
| 93. Oil Rent | 117. United Nations Development Program |
| 94. Democracy | 118. Jarque-Bera |
| 95. Varieties of Democracy Institute | 119. Spoil system |
| 96. Expanded Freedom of Expression | 120. Guy |
| 97. Freedom of Association | 121. Hondegghem |
| 98. Clean Elections | 122. OECD |
| 99. Natural Resource Governance Institute | 123. Ahmadov |
| 100. Brookings Institution | 124. Zamor & Smith |
| 101. World Bank Development Research Group | 125. Heidenheimer and Johnston |
| 102. Worldwide Governance Indicator (WGI) | 126. Parsons & Shills |
| 103. Bertelsmann Foundation | 127. Powell & DiMaggio |
| Transformation Index (BTI) | 128. Gould et al. |
| 104. Quality of bureaucracy | 129. Legatum Prosperity Index |
| 105. Excessive bureaucracy | |

منابع

- دوگراف، خیالت؛ واخنار، پیترا؛ مارافیک، پتريک فون. (۱۳۹۴). چشم‌اندازهای نظری فساد. ترجمه هانیه هزبر الساداتی، داود حسینی هاشم زاده، جلیل یاری، محمد فاضلی. تهران: انتشارات آگاه، چاپ دوم.
- زاهدی، شمس السادات و همکاران. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فساد اداری (مطالعه موردی در شهرداری تهران)، مدیریت فرهنگ سازمانی، سال هفتم، ش ۲۰.
- سنجش ملی سرمایه اجتماعی. (۱۳۹۴). طرح سنجش سرمایه اجتماعی مردم ایران. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و شورای اجتماعی وزارت کشور.
- عابدی جعفری، حسن و همکاران. (۱۳۸۹). تدوین سیاست‌ها و راهبردهای فساد اداری. طرح پژوهشی. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عابدی جعفری، حسن و همکاران. (۱۳۹۰). تدوین و آزمون مدل سنجش سلامت و فساد اداری شهرداری تهران. طرح پژوهشی. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران.
- عباس زادگان، سید محمد. (۱۳۸۳). فساد اداری، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول فاضلی، محمد. (۱۳۹۶، ۳ دی). نفت زدگی. روزنامه صمت. بازیابی شده از <http://www.smtnews.ir/note/30634-%D9%86%D9%81%D8%AA-%D8%B2%D8%AF%DA%AF%DB%8C.html>
- فضلی نژاد، سیف‌الله؛ احمدیان، مرتضی. (۱۳۸۹). اقتصاد رانتی در ایران و راه‌های برون‌رفت از آن. ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی. ش ۱۱ و ۱۲، ص ۱۲۹-۱۵۸.
- کارل، تری لین. (۱۳۸۸). معمای فراوانی: رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی. ترجمه جعفر خیرخواهان. تهران: نشر نی.
- گزارش شاخص رفاه لگاتوم ۲۰۱۶. (۱۳۹۵). جدیدترین رتبه ایران در میان کشورهای مرفه. بازیابی شده از <http://www.daraian.com/fa/countries/iranoe/203-dataworld/13212>
- لوسیانی، جیاکومو. (۱۳۷۴). درآمد ثابت نفتی: بحران مالی دولت و گرایش به دموکراسی. فصلنامه مطالعات خاورمیانه. سال دوم. شماره ۲، صص ۴۶۲-۴۲۳.
- مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری. (۱۳۹۶). آینده پژوهی ایران ۱۳۹۶. تهران: مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری.
- نجفی، کرم. (۱۳۸۳). تأثیر درآمدهای نفتی بر سیاست‌های اقتصادی ایران در دهه ۶۰ و ۷۰. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- نیلی، مسعود؛ مصلحی، سیده سلماز. (۱۳۸۵). بررسی اثر فعالیت‌های دولت بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای نفتی. شانزدهمین کنفرانس سیاست پولی و ارز، موسسه پولی و بانکی بانک مرکزی اسلامی جمهوری ایران.
- نیومن، لارنس. (۱۳۹۳). روش‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی، ترجمه ابوالحسن فقیهی و غسل آغاز، تهران، نشر ترمه. جلد اول، چاپ دوم.
- Abed, George T. and Hamid R. Davoodi. (2000). Corruption, Structural Reforms, and Economic Performance in the Transition Economies. *IMF Working Paper* WP/00/132.
- Ades, A. and Di Tella, R. (1997). The new economics of corruption: a survey and

- some new results. *Political Studies* XLV: 496-515.
- Ades, A. and Di Tella, R. (1999). Rents, Competition, and Corruption. *American Economic Review* 89(4): 982-92.
- Aidt, T. S. (2010). Corruption and sustainable development.
- Alexeev, M., & Conrad, R. (2009). The elusive curse of oil. *The Review of Economics and Statistics*, 91(3), 586-598.
- Ahmadov, I., Mammadov, J., and Aslanli, K. (2013). *Assessment of Institutional Quality in Resource-Rich Caspian Basin Countries*. Available at SSRN 2274813.
- Ali, A. M., & Isse, H. S. (2002). Determinants of economic corruption: a cross-country comparison. *Cato J.*, 22, 449-466
- Alt, James E. and David Dreyer Lassen. (2003). The Political Economy of Corruption in American States. *Journal of Theoretical Politics* 15(3): 341-365.
- Andersen, J.J., & Aslaksen, S. (2013). Oil and Political Survival. *Journal of Development Economics*, Vol.100, No.1, pp. 89-106.
- Arezki, R., & Brückner, M. (2011). Oil rents, Corruption, and State Stability: Evidence from Panel Data Regressions. *European Economic Review*, Vol.55, No. 7, pp. 955-963.
- Arezki, R., & Gylfason, T. (2011). Resource rents, democracy and corruption: evidence from Sub-Saharan Africa.
- Arvate, P.R., Curi, A.Z., Rocha, F., and Sanches, F.A. (2010). Corruption and the Size of Government: Causality Tests for OECD and Latin American Countries. *Applied Economics Letters*, Vol.17, No.10, pp. 1013-1017.
- Ashforth, B. E., & Anand, V. (2003). The normalization of corruption in organizations. *Research in organizational behavior*, 25, 1-52.
- Azfar, O., & Nelson, W. R. (2007). Transparency, wages, and the separation of powers: An experimental analysis of corruption. *Public Choice*, 130(3-4), 471-493.
- Banfield, E. C. (1985). Corruption as a feature of governmental organization. In *Here the People Rule* (pp. 147-170). Springer, Boston, MA.
- Barbier, E.B. (2003). The Role of Natural Resources in Economic Development. *Australian Economic Papers*, Vol.42, No.2, pp. 253-272.
- Barbier, E.B. (2010). Corruption and the Political Economy of Resource-Based Development: a Comparison of Asia and Sub-Sahara Africa. *Environmental and Resource Economics*, Vol.46, No.4, pp. 511-537.
- Bertot, J. C., Jaeger, P. T., & Grimes, J. M. (2010). Using ICTs to create a culture of transparency: E-government and social media as openness and anti-corruption tools for societies. *Government information quarterly*, 27(3), 264-271.
- Bhattacharyya, S., and R. Hodler, (2010). Natural Resources, Democracy and Corruption. *European Economic Review*, Vol.54, No.4, pp. 608-621.
- Bonaglia, Federico, Jorge Braga de Macedo, and Maurizio Bussolo. (2001). How Globalization Improves Governance. *Discussion Paper* No. 2992. Paris, France: Centre for Economic Policy Research, Organisation for Economic Cooperation and Development.
- Braun, Miguel and Rafael Di Tella. 2004. "Inflation, Inflation Variability, and Corruption". *Economics and Politics* 16: 77-100.
- Broadman, Harry G. and Francesca Recanatini. (2000). Seed of Corruption: Do Market Institutions Matter?. *The World Bank Policy Research Working Paper*. No. 2368.
- Broadman, Harry G. and Francesca Recanatini. (2002). Corruption and Policy: Back

- to the Roots. *Policy Reform*. 37-49
- Brown, David S., Michael Touchton, and Andrew B. Whitford. (2005). "Political Polarization as a Constraint on Government: Evidence from Corruption" on SSRN <http://ssrn.com/abstract=782845>.
- Brunetti, Aymo and Beatrice Weder. (2003). A Free Press is Bad News for Corruption. *Journal of Public Economics*. 87:1801-1824.
- Brunnschweiler, C. N. (2008). Cursing the blessings? Natural resource abundance, institutions, and economic growth. *World development*. 36(3), 399-419.
- Brunnschweiler, C. N., & Bulte, E. H. (2008). The resource curse revisited and revised: A tale of paradoxes and red herrings. *Journal of environmental economics and management*, 55(3), 248-264.
- Chang, Eric CC and Golden, Miriam A. (2004). Electoral Systems, District Magnitude and Corruption. *Paper presented at the 2003 annual meeting of the American Political Science Association*. August 28-31.
- Croley, S. P. (1995). The majoritarian difficulty: Elective judiciaries and the rule of law. *The University of Chicago Law Review*, 62(2), 689-794.
- Damania, Richard, Per Fredriksson, and Muthukumara Mani, (2004). The Persistence of Corruption and Regulatory Compliance Failures: Theory and Evidence. *Public Choice* 121: 363-390.
- Duyne, P. V. (2001, December). Will 'Caligula go transparent?' Corruption in acts and attitude. In *Forum on crime and society* (Vol. 1, No. 2, pp. 73-98).
- Eicher, T., García-Peñalosa, C., & Van Ypersele, T. (2009). Education, corruption, and the distribution of income. *Journal of Economic Growth*, 14(3), 205-231.
- Evrensel, A. Y. (2010). Institutional and economic determinants of corruption: a cross-section analysis. *Applied Economics Letters*, 17(6), 551-554.
- Fisman, Raymond J. and Roberta Gatti. (2002). Decentralization and Corruption: Evidence across Countries. *Journal of Public Economics*. 83: 325-345.
- Frechette, Guillaume R. (2001). A Panel Data Analysis of the Time-Varying Determinants of Corruption. Paper presented at the EPCS 2001.
- Frisch, D., (1994), *Effects of corruption on development in corruption, Democracy and Human Rights in West Africa*, Cotonou, Benin: Africa Leadership Forum.
- Gatti, R. (1999), Corruption and Trade Tariffs, or a Case for Uniform Tariffs, *World Bank Policy Research Working Paper No. 2216*.
- Goel, R. K., & Korhonen, I. (2011). Exports and cross-national corruption: A disaggregated examination. *Economic Systems*, 35(1), 109-124.
- Goel, R.K., & Nelson, M.A. (1998). Corruption and Government Size: a Disaggregated Analysis. *Public Choice*, Vol.97, No.1-2, pp.107-120.
- Goel, R. K., & Nelson, M. A. (2010). Causes of corruption: History, geography and government. *Journal of Policy Modeling*, 32(4), 433-447.
- Goldsmith, A. A. (1999). Slapping the grasping hand: Correlates of political corruption in emerging markets. *American Journal of Economics and Sociology*, 58(4), 865-883.
- Government finance Statistics Manual (GFSM). (2014). Washington, D.C. : International Monetary Fund.
- Gould, David J., D.; Amaro-Reyes, Jose A.; Gould, David J., D.* Amaro-Reyes, Jose A.. 1983. The effects of corruption on administrative performance : illustrations from development countries. Staff working paper ; no. SWP 580. *Management and development series* ; No. 8
- Gurgur, Tugrul and Anwar Shah. 2005. "Localization and Corruption: Panacea or Pandora's Box". World Bank Policy Research Working Paper 3486.

- Hall, R. E., & Jones, C. I. (1999). Why do some countries produce so much more output per worker than others?. *The quarterly journal of economics*, 114(1), 83-116.
- Hamilton, K. & R. Giovanni. (2006). From Curse to Blessing, Natural Resource and Institutional Quality. *Environment Matters, the World Bank Group*, pp. 24-27.
- Harrison, M., (2003). Can Corrupt Countries Attract Foreign Direct Investment? A Comparison of FDI Inflows between Corrupt & Non-Corrupt Countries. *International Business & Economics Research Journal*. V. 2., N.9.
- Heidenheimer, A. J. (1970). *Political corruption: readings in comparative analysis*. Transaction Books.
- Heidenheimer, Arnold J./Johnston, Michael (2005): Introduction to Part II. In: Heidenheimer, Arnold J./Johnston, Michael (eds.): *Political Corruption. Concepts & Contexts*. 3rd edition. New Brunswick, N.J.: Transaction Publishers, pp. 77-82.
- Herzfeld, Thomas and Christoph Weiss. (2003). Corruption and Legal (In)-Effectiveness: An Empirical Investigation. *European Journal of Political Economy* 19: 621-632.
- Hondeghem, A.(2000). The national civil service in Belgium. Bekke, HAGM and van der Meer, FM, *Civil service systems in Western Europe*, Cheltenham: Elgar. 120-147.
- Huntington, S. (1989). *Techniques of Political Graft. Political Corruption. New Brunswick, NJ: Transaction Publishers*.
- Jetter, M., Agudelo, A. M., & Hassan, A. R. (2015). The effect of democracy on corruption: Income is key. *World Development*, 74, 286-304.
- Johnston, Michael (2005). *Syndromes of Corruption. Wealth, Power, and Democracy*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kalenborn, C., & Lessmann, C. (2013). The impact of democracy and press freedom on corruption: Conditionality matters. *Journal of Policy Modeling*, 35(6), 857-886.
- Karl, Terry L. (1997). *Paradox of Plenty: Oil Booms and Petrostates*. Berkeley: University of California press.
- Kaufmann, Daniel; Aart Kraay, and Pablo Zoido- Lobaton. (1999). *Governance matters*. the World Bank Policy Research Working Paper WPS2196.
- Khan, M. H. (1996). The efficiency implications of corruption. *Journal of International Development*, 8(5), 683-696.
- Kim, S., Kim, H. J., & Lee, H. (2009). An institutional analysis of an e-government system for anti-corruption: The case of OPEN. *Government Information Quarterly*, 26(1), 42-50.
- Knack, Stephen and Omar Azfar. 2003. "Trade Intensity, Country Size and Corruption". *Economics of Governance* 4: 1-18.
- Kotera, G., Okada, K., and Samreth, S. (2012). Government Size, Democracy, and Corruption: An Empirical Investigation. *Economic Modelling*, Vol.29, No.6, pp. 2340-2348.
- Kunicova, Jana and Susan Rose-Ackerman. (2005). "Electoral Rules and Constitutional Structures as Constraints on Corruption", *British Journal of Political Science* 35 (4): 573-606.
- Kurer, Oskar (2005). Corruption: An Alternative Approach to Its Definition & Measurement. *Political Studies* 53, pp.222-239.
- Laffont, J. J., & Meleu, M. (2001). Separation of powers and development. *Journal of Development Economics*, 64(1), 129-145.
- La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., & Vishny, R. (1999). The quality of

- government. *The Journal of Law, Economics, and Organization*, 15(1), 222-279.
- Lederman, Daniel, Norman V. Loayza, and Rodrigo R. Soares. 2005. "Accountability and Corruption: Political Institutions Matter". *Economics and Politics*. 17:1-35.
- Leite, M. C., & Weidmann, J. (1999). *Does mother nature corrupt: Natural resources, corruption, and economic growth*. International Monetary Fund.
- Mahdavy, H., & Cook, M. (1970). The patterns and problems of economic development in rentier states: The case of Iran. *life*, 1000(1).
- Mahdavi, P. (2014). Extortion in the Oil States: Nationalization, Regulatory Structure, and Corruption.
- Mauro, P. (1998). Corruption and the composition of government expenditure. *Journal of Public economics*, 69(2), 263-279.
- Mistry, J. J., & Jalal, A. (2012). An empirical analysis of the relationship between e-government and corruption.
- Ndou, V. (2004). E-Government for developing countries: opportunities and challenges. *The electronic journal of information systems in developing countries*, 18(1), 1-24.
- Nye, J. S. (1967). Corruption and political development: A cost-benefit analysis. *American political science review*, 61(2), 417-427.
- Organization for Economic Cooperation and Development (OECD). (1997). *Issues and Developments in Public Management: Survey 1996-1997*, Paris, OECD.
- Paldam, Martin. 2002. "The Cross-Country Pattern of Corruption: Economics, Culture and the Seesaw Dynamics". *European Journal of Political Economy* 18: 215-240.
- Park, Hoon. 2003. "Determinants of Corruption: A Cross-National Analysis" *The Multinational Business Review* 11(2): 29-48.
- Persson, Torsten, Guido Tabellini, and Francesco Trebbi. 2003. "Electoral Rules and Corruption". *Journal of the European Economic Association* 1(4): 958-989.
- Peters Guy, B. (1995). Searching for a role: The Civil Service in American Democracy, *Internatinal Political Science Review*, Vol 14, No. 4.
- Pillay, S. (2004). Corruption – the challenge to good governance: a South African perspective. *International Journal of Public Sector Management*, Vol. 17 Issue: 7, pp.586-605.
- Pitt, L. F., & Abratt, R. (1986). Corruption in business—are management attitudes right?. *Journal of Business Ethics*, 5(1), 39-44.
- Prillaman, W. C. (2000). *The judiciary and democratic decay in Latin America: Declining confidence in the rule of law*. Greenwood Publishing Group.
- Rabl, T., & Kühlmann, T. M. (2008). Understanding corruption in organizations—development and empirical assessment of an action model. *Journal of business ethics*, 82(2), 477.
- Rose-Ackerman, S. (2005). The challenge of poor governance and corruption. *Especial I DIREITO GV L. Rev.*, 207.
- Rose-Ackerman, S. (2008). Corruption and government. *International peacekeeping*, 15(3), 328-343.
- Rose-Ackerman, S., & Palifka, B. J. (2016). *Corruption and government: Causes, consequences, and reform*. Cambridge university press.
- Ross, M.L. (2008). Blood Barrels-Why Oil Wealth Fuels Conflict. *Foreign Affairs*, Vol.87, No. 3. P.2.
- Serra, D. (2006). Empirical determinants of corruption: A sensitivity analysis. *Public Choice*, 126(1-2), 225-256.

- Shao, J., Ivanov, P. C., Podobnik, B., & Stanley, H. E. (2007). Quantitative relations between corruption and economic factors. *The European physical journal B*, 56(2), 157-166.
- Shim, D. C., & Eom, T. H. (2008). E-government and anti-corruption: Empirical analysis of international data. *Intl Journal of Public Administration*, 31(3), 298-316.
- Smith, B. (2004). Oil Wealth and Regime Survival in the Developing World, 1960–1999. *American Journal of Political Science*, Vol.48, No.2, pp. 232-246.
- Suphachalasai, Suphachol. (2005). Bureaucratic Corruption and Mass Media. *Paper presented at the 2005 EPCS*.
- Sutherland, C. A. (2012). *Expanding Corporate Social Responsibility in the Petroleum Industry: Improving Good Governance in Oil Exporting Countries* (Master's thesis).
- Swamy, Anand, Stephen Knack, Young Lee, and Omar Azfar. (2001). Gender and Corruption. *Journal of Development Economics*. 64: 25-55.
- Tanzi, V. (1995). Corruption, governmental activities, and markets. *Finance and Development*, 32(4), 24.
- Tanzi, V. (1998). Corruption and the budget: Problems and solutions. In *Economics of corruption* (pp. 111-128). Springer, Boston, MA.
- Tanzi, Vito and Hamid R. Davoodi. (1997). Corruption, Public Investment, and Growth. *IMF Working Paper* 97/139.
- Tavares, Jose. (2003). Does Foreign Aid Corrupt? *Economic Letters* 79: 99-106.
- Transparency International, (2000), Annual Survey: Corruption Perception Index. Retrieved from https://www.transparency.org/news/feature/corruption_perceptions_index_2000
- Transparency International, (2016), Annual Survey: Corruption Perception Index. Retrieved from https://www.transparency.org/news/feature/corruption_perceptions_index_2016
- Treisman, Daniel (2000): The Causes of Corruption: A Cross-National Study. *Journal of Public Economics*, 76, 3, pp. 399-457.
- Van Rijckeghem, Caroline and Beatrice S. Weder. (1997). Corruption and the Rate of Temptation: Do Low Wages in the Civil Service Cause Corruption?. *IMF Working Paper* WP/97/73.
- Van Rijckeghem, C., & Weder, B. (2001). Bureaucratic corruption and the rate of temptation: do wages in the civil service affect corruption, and by how much?. *Journal of development economics*. 65(2), 307-331.
- Vicente, P. C. (2010). Does oil corrupt? Evidence from a natural experiment in West Africa. *Journal of development Economics*, 92(1), 28-38.
- Wei, Shang-Jin. (2000). Local Corruption and Global Capital Flows. *Brookings Papers on Economic Activity* 2: 303-352.
- World Bank, (1977). World Bank, Development Report 1977: The State in a Changing World. Oxford: Oxford University Press.
- Yilmaz Ata, A., & Arvas, M. A. (2011). Determinants of economic corruption: a cross-country data analysis. *International Journal of Business and Social Science*, 2(13).
- Zamor, G; Smith, M. (1983): Administrative Reform in Haiti: problems, progress and prospects. *Public Administration and Development*. 3(1).